



مهندس فرجانی



دکتر عادل پیقامی



دکتر اسماء عبیلی



دکتر یامین پور



دکتر نادری

طیور حق قدره ای از
دریا در مسیر تمدن سازی

اقتصاد مقاومتی برنامه
کوتاه مدت نیست

عدم شفافیت، درد
مزمن مجلس

بایدمرزهای گفتمانی
را شفاف کنیم

پنهان کاری از دولت
هاشمي شروع شد

حرف نو

گاهنامه گفتمانی موسسه طیور حق

شرح مناظره لیبرال - مقاومت

از پسابر حام ناشاهadt سردار سليماني
عبدالله مرادي

رانت، ولد نامشروع
عدم شفافیت
علی حقیری

شفافیت، پیش نیاز تحقق
عدالت و آزادی

علی خضریان

شفافیت درد مزمن مجلس

پرونده ای درباره ابعاد مختلف شفافیت در سطوح مختلف





اصحابه | دکتر وحیدیامین پور



سرمقاله | دکتر محمد مهدی اسماعیلی



مقالات | دکتر عبدالله مرادی



اصحابه | دکتر احمد نادری



اصحابه | مهندس جعفر فرجی



درسگذار | دکتر عادل پیغمامی

حروف

گاهنامه‌گفتمنانی موسسه طلوع حق

بهمن ۹۸ | شماره اول | صفحه ۷۲

صاحب امتیاز:

موسسه طلوع حق

سردیبر:

دکتر محمد مهدی اسماعیلی

دییر تحریریه:

محمدصادق ذجاجی

طرح گرافیک:

علی قبری

سایت و تبلیغات:

حمیدرضا و کیلی آریا

پرونده عدم شفافیت درد مژمن مجلس / سردیبر ۶**گفتگو با وحید یامین پور / صادق ذجاجی ۸****شفافیت پیش نیاز تحقیق عدالت / علی خضرابان ۱۴****فواید شفافیت در شرایط فعلی جامعه / بهاره آروین ۱۶****گفتگو با دکتر احمد نادری / علی قبری ۱۸****رانت، ولد نامشروع عدم شفافیت است / علی جعفری ۲۲****نگاهی به طرح لزوم شفافیت آرا نظام تقنینی ۲۶****مقاله مبارزه بر سر موازنہ / عبدالله مرادی ۲۸****یادداشت روایتی از فرمانده شهید محمد مجعفر حسینی / ۳۴****تحلیل قرآنی و روایی خطبه های رهبر / علیرضا معاف ۳۶****اینفوگرافیک اهم رویداد های مجلس / مرتضی دادوندی ۳۸****کتابخوانی چرا کتاب بخوانیم؟ / مجید قلی بیک ۴۲****فیلم و سریال بلا تکلیف مهدویان / نژاد رمضان ۴۶****سیری در تاریخ معاصر از لنز سر چشمہ ۴۸****بین الملل هدف تبلیغ / محمد عباسیان ۵۰****آخوند چینی ۵۳****کارآفرینی کارآفرینی به زبان ساده / محمد علیپوری ۵۴****درسگفتار اقتصاد مقاومتی دکتر پیغمامی / اصغر زیننده ۵۶****طلوع حق گفتگو با جعفر فرجی / مصطفی رجبی ۶۰**دفترنشریه: خیابان انقلاب، بعداز چهارراه
ولیعصر، نبش مظفرشمالی، پلاک ۹۱۵ طبقه دوم
تلفن: ۰۲۱۶۶۴۹۹۵۴۲

اگر بخواهیم نگاهی منصفانه و انتقاد آمیزی به ۴۰ سال تجربه تقوین در کشور عزیzman داشته باشیم، در کنار نقاط ضعف، امتیازات بسیاری را می‌توانیم محاسبه کنیم. انتخاب‌های واقعی مردم از میان افرادی از جنس خود، مهم ترین امتیازی است که علیرغم کم رنگ شدن آن در برخی مقاطع، به راحتی نمی‌توان از آن چشم پوشی کرد. تقسیم کشور به حوزه‌های انتخابیه که به جز حوزه‌هایی چون تهران، مشهد، اصفهان، شیراز؛ تبریز، در بقیه آن شرط اصلی برای اجرای آوری اجرای ارتباط گیری چهره به چهره با تک تک مردم و پاسخگویی به مطالبات آنان است. این مساله، به شهروندان جمهوری اسلامی، در دورترین روستاهای محروم ترین نقاط، این فرصت را می‌دهد تا به بهانه لزوم حضور کاندیداها در میان آنان برای جلب رأی به راحتی مطالبات خود را بیان و پیگیری نماید. فکر حضور در انتخابات بعدی، کاندیداها را وادار می‌کند تا با نگرانی و احتیاط به فکر حفظ شبکه ارتباطی و ارتقای رابطه خود با توده‌های مردم باشد. برای نگارنده این سطور که تجربه عینی مدیریت اجرائی و تعامل نزدیک با نمایندگان مجلس در استانی به پهناواری اصفهان، با بیست نماینده را داشته‌ام، محرز است که این نیاز به تعامل و ارتباط، برکات بسیاری را نصیب مردم می‌نماید و مهم تراز همه، سرمایه اجتماعی مناسبی را در اختیار نظام اسلامی قرار می‌دهد. در طول سال‌های مختلف و علیرغم اشراف به هه مشکلات و اشکالاتی که این نحو از برگزاری انتخابات و اخذ رأی به دنبال دارد، هنوز توانسته‌ام به الگوی جایگزین که این امتیاز مهم را داشته باشد، برسم. هر طرح انتخاباتی جدید قطعاً باید ویژگی مهم دلالت آحاد مردم و سرنوشت ساز بودن تک آرای آن‌ها را در تعیین نماینده حفظ کند و حتی این موضوع به حوزه‌ی بزرگی چون تهران نیز قابل تسری است که حوزه‌یکپارچه فعلی، به حوزه‌های کوچکی نظیر مناطق شهری تقليل یابد و هر منطقه شهرداری، بحسب جمعیت، نماینده‌ای در پارلمان داشته باشد که این موضوع می‌تواند سایه انتخاب‌های افزایش دهد. اگر بخواهیم به مهمترین اشکال فعلی انتخابات مجلس در جمهوری اسلامی بپردازیم می‌توان از نبود شفافیت به عنوان یک درد مزمن نام برد. متأسفانه ساز و کارهای فعلی که در قالب قانون انتخابات مجلس و آئین نامه داخلی مجلس شکل گرفته است، شفافیت را به نحو ملموسی کاوش داده و به مثابه نقطه کانونی تهدی آمیز عمل می‌نماید. چرا نباید بدانیم کاندیداهای محترم از چه محل هزینه‌های تبلیغاتی را فراهم می‌کنند؟ چرا نباید بدانیم که در طول نمایندگی در مجلس در قبال مواضع مختلف و رأی گیری لوابح و طرح‌های مجلس، چه رأی داده اند؟ چرا نباید بدانیم که هر نماینده چه میزان حقوق دریافت کرده است؟ اموالش در ابتدای ورود به مجلس چقدر بوده؛ و در انتهای وکالت، چه تعییری کرده است؟ چرا نباید بدانیم چه میزان مکاتبه با سر برگ مجلس به وزارت خانه، سازمان‌ها و نهادهای عمومی انقلابی داشته و چه توصیه‌ها و سفارشاتی کرده است؟ مگر آنها وکیل و نماینده ما نیستند؟ شأن و کالت و نمایندگی اقتضاش عمل به نظرات موکل و تأمین رضایت و حرکت در چارچوب توافقی است. به نظر می‌رسد برای حل معظلات بزرگ فعلی که نمایندگان منتخب باید واجد آن باشند، تأکید بر اصول شفافیت باید در رأس مطالبات قرار گیرد.



دکتر محمد مهدی اسماعیلی
هشت‌الملوک دانشگاه تهران

عدم شفافیت، درد مزمن مجلس

شأن و کالت و نمایندگی اقتضاش عمل به نظرات موکل و تأمین رضایت و حرکت در چارچوب توافقی است و در کناره‌مهمه شرایط ايجابي و سليبي که نمایندگان منتخب باید واجد آن باشند، تأکيد بر اصول شفافیت باید در رأس مطالبات قرار گيرد.

مرزهای گفتمانی احزاب در کشور مائله‌ای است. به علت این که احزاب در کشور مازنایدهای نظری کاملاً متفاوتی تغذیه نمیکنند. یعنی بیشتر ائتلاف بر روی قدرت است تا تفکیک پذیری نظری و فکری و گفتمانی؛ و این موضوع خیلی بداست.

به نهادهای قدرت این از کجا می‌آید. ایشون یه مثالی میزند که برای من خیلی جالبه، یک سناتنوری هست به نام سناتنور کافمن که در ماجراهای وال استریت افساگری‌ها و رونشگری‌ها و داد و بیدادهای فراوان کرد. در آن جریان کافمن طرف مردم استاد. هافینگتن میپرسد که چرا بین همه سناتنورها کافمن شجاعانه به میدان می‌آید؟ البته خیلی جالب است که کافمن ارتباطی هم با جو بایدن دارد. مثلاً در حد رئیس زدفتری جو بایدن هم بوده. نویسنده میگوید کافمن جزو محدود سناتنورهایی است که بالا آمدنشان در نظام تصمیم‌سازی منوط به سرمایه گذاری سرمایه‌دارها نبوده. به خاطر همین چون از یک سیستم انتسابی آمده و نه یک سیستم انتخابی به وقتش وقتی می‌خواهد فریاد بزند در برابر نظام سرمایه‌داری دچار لکن زبان نمی‌شود. حالا من همه ماجرا را نمیدانم که پشت صحنه کافمن چیست ولی برای من این نکته جالبه که آمریکایی‌ها در این حد متقاض مکانیزم سیستم‌های انتخابی و انتسابی خودشان هستند و معتقدند این سرمایه‌گذارها هستند که رو آن ها سرمایه گذاری میکنند تا آن‌ها را به نهادهای تصمیم‌سازی مثل پارلمان بکشانند. می‌خواهم بگویم که این یک مساله جهانی است و مساله‌ما نیست. سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز فرصت این نبود که احزاب و جریان‌های متصل به گذاری کنند به همین علت فرایند انتخاب

● مصاديق شفافيت در مجلس چه مواردي ميتوانند باشد؟

یک قلمرو، قلمروی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است. یک قلمرو، قلمروی مالی و وابستگی‌های مالی است و دیگری قلمروی حزبی و جریانی است. واقعیت این است که مردم دوست دارند بدانند پشت ماجرا چه کسایی دارند چه کارهایی میکنند. هم زمان مردم دوست دارند بدانند چه کسانی روی چه کسانی سرمایه گذاری کردند. عرصه سیاسی متهmm است به زد و بند و رشد کردن در این عرصه اگر سیستم کاملاً دموکراتیک و مردم سالار نباشد نیاز به زد و بند دارد. هر چه قدر مکانیزم‌ها، ساز و کارها، شفاف تر باشد امکان زد و بند کاهش می‌یابد. در غیر این صورت ما میتوانیم حکم کنیم که بنایدهای اقتصادی و مالی روی بعضی افراد سرمایه گذاری میکنند. یا بعضی از جریان‌های متصل به قدرت روی بعضی افراد سرمایه گذاری میکنند تا با بالاکشیدن آنها در نظام تصمیم‌سازی برای خودشان یار داشته باشند. از همه مهم تر مجلس شواری اسلامی است. به طور دقیق تر پارلمان‌ها در مجموع به این نحو هستند. این مساله ما نیست بلکه مساله همه جهان است. من به کتابی از آقای هافینگتن به نام آمریکای جهان سومی میخواندم که در آن جا نقد اصلی ایشون این بود که مکانیزم دموکراسی در کشور ما خیلی غیر شفاف هست و ما نمیدانیم آدم‌ها پول‌هایی که هزینه میکنند برای اینکه راه پیدا کنند به



محمدصادق ذجاجی
فعال‌رسانه، روزنامه‌نگار

باید تلاش کنیم مرزهای گفتمانی را شفاف کنیم

گفتگو با دکتر وحدت‌یامین پور، دکترای حقوق، رئیس پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه، درباره موضوع شفافیت در عرصه‌های مختلف کشور و مقایسه آن با سایر نقاط جهان

ا. الان هم رادیو مجلس داریم، یعنی مردم می‌توانند جلسات علنی را به طور زنده از رادیو گوش بکنند یعنی این خیلی ایده مترقی است که ما دقیقاً بدایم چه کسی دارد نقطه میکند، مخالفها کیست، موقعها کیست، استدلالها چیست. منتهی این بخشی از فرآیند شفاقت رو توضیح می‌دهد و کفاف بخشی از شفاقت را میکند. الان مردم این مطالبه را آغاز کردن که بدانند نماینده یا نمایندگانشان در مجلس در قبال تصمیم گیری های مختلف چه موضعی داشتند. چرا مجلس مقاومت میکند من نمی‌دانم.

برخی نماینده‌ها مثل علی مطهری مصلحت را علت مقاومت در برابر شفاقت آرا بیان میکنند.

توضیح کافی نیست. واقعاً من این مصلحت را درک نمیکنم. چه مصلحتی؟ بعضی از موضوعات قابل درک است که ممکن است ما بدایم صلاح نیست آرا مشخص شود، ولی در مورد مسائل دیگر، مسائل مهم تعیین کننده در کشور اتفاقاً خیلی مهم است که مردم بدانند مثلًا چه کسی به برجام رای داده. چه کسی به ساز و کارهای مهم اقتصادی در کشور رای داده. چه کسی در مورد بودجه حرف زده. چه حرفی زده. این ها مهم است. هم نماینده‌ها در صورت مشخص شدن این ساز و کار با کیفیت تر به مجلس می‌آینند، شانه خالی نخواهند کرد. شما نمیتوانید صرف این که دوستان هم فراکسیونی شما یا هم خوبی شما موافق با مخالفند رای بدهید. شما باید بتوانید رای تان را توضیح دهید. این ها خیلی فضای سیاسی کشور را رشد می‌دهد و باعث می‌شود خود نماینده‌ها با حساب و کتاب بیشتر و با منطق قدرمند تری در رای گیری ها مشارکت کنند. چون باید در قبال رای خود پاسخگو باشند. مردم هم می‌توانند تصویر شفاف تری از نمایندگان خود داشته باشند.

شفاف شدن مزبندی افراد با احزاب مختلف

شبی آقای کخدایی در برنامه جهان آرا مهمان ما بودند و اتفاقاً من این را پرسیدم که آیا در تایید صلاحیت ها در انتخابات مجلس‌ای این روابط اقتصادی لو رفته منشأ اثر خواهد بود؟ آقای کخدایی خیلی متقن فرمودند که ما حتی این موضوع را بررسی میکنیم. الان هم اعلام کردند خیلی از این رد صلاحیت ها به خاطر روابطنا سالم اقتصادی و مالی است. خب الان با بودن فضای مجازی و شبکه های اجتماعی ما می‌توانیم به یک نظارت عمومی دست بزنیم. یعنی بخواهیم که آدم‌ها وارد یک مکانیزم نظارت عمومی بر مستولان خودشان بشوند. از آن‌ها بخواهند مسائل مالی خودشان را شفاف بکنند. هدایایی که دریافت میکنند. پژوهیانی هایی که دریافت میکنند. اگر عضو هیات مدیره هاستند. اگر بستگان درجه یک خود را در زمان تصدی این صندلی، عضو هیات مدیره ها و عضو شرکت های بزرگ کردن، این ها بایستی شفاف شود و در اختیار مردم قرار گیرد.

یک سوالی که میخواهم پرسیم این است که آیا وجود یامین پور با شفاقت آرا مجلس به طور مطلق موافق است؟

اصلًا این موضوع عجیب است که مجلس اینقدر در مقابل این موضوع مقاومت میکند. مجلس جز در موارد امنیتی و دفاعی نمیتواند بهانه گیری بکند برای این که ساز و کار تصمیم گیری خودش را علی بکند. از اول انقلاب ایده رادیو مجلس ایده پیشرفته ای بوده.



تجهیزات و امکانات و مکان و ... در اختیار ستاد اقای میرحسین موسوی قرار داد. خب آقای مهدی هاشمی و خانواده هاشمی هم در این دانشگاه بودند. این ها چیزهایی بود که لو رفت و گزارشی داده شد و کسی هم نتوانست تکذیب کند. میخواهیم بگوییم این ها قابل انکار نیست و همیشه بوده. مثلا هزینه کرد بابک زنجانی در انتخابات سال نود و دو و یا کسانی شیبی به ایشان. خیلی ها هاستند که ولو اینکه نخواهند هزینه کنند خودشان را با فشار در تیم حمایتی کاندیداها جا می‌دهند. ابتدا هم عنوان میکنند که در ازای این پول مطالبه ای ندارند. نه تنها اینکه بخواهیم اصلاح طلب ها و یا دولت فعلی رو که کارنامه مفتخضی در این فساد ها دارند متهم بکنیم. بلکه باید از خودی ها هم این سوال را پرسید که شما به چه نحوی میخواهید هزینه های تبلیغات انتخابات را تأمین بکنید.



در راستای این بحث ارتاطی بین استیضاح چندباره وزیر نفت و رای نیاوردن استیضاح میبینید؟

یک لیستی حدود دو سال پیش منتشر شد که تعدادی از نمایندگان مجلس حقوق های کلانی از وزارت نفت می‌گیرند. یکی از آن ها عضو هیات رئیسه مجلس بود و الان هم صلاحیت ایشان رد شده است. همان موقع ما فریاد می‌زدیم این آدم ها که ساز و کارهای نامطلوبی علیه شان لو رفته باید در صلاحیت ایشان تاثیر بگذارند. یک

نمایندگان خیلی سالم تر رخ می‌داد. یعنی شما میتوانستید بگویید که یک نفر بدون هیچ وابستگی می‌تواند به مجلس راه پیدا کند. ولی وقتی الان نهاده های رسمی مادار جمهوری اسلامی بیان می‌دارند که حداقل هزینه تبلیغات در یک شهر یک میلیارد تومنه، یا شما میشنوید برای بودن در لیست امید در تهران در مجلس دهم از مقاضیان نفری دو میلیارد پول درخواست شده دو سوال مطرح می‌شود. اول اینکه این پول از چه منبعی تامین شده است؟ در واقع این یک طور هزینه کردن برای سود آنی است. یعنی قرار لست این افرادی که راهی مجلس شدند بعداً یک سودی برای سرمایه گذارها به بار بیاورند. اگر حتی این هم نباشد باید سوال دوم را پرسید که اگر این فرد مثلا همین دو میلیارد را هم از پول را هزینه میکند. این خیلی مضحک است که بگوییم این کار برای عشق به خدمت و یا برای خدمت به انقلاب است. یعنی کاملاً بوهای ناخوشانیدی از این فرآیند به مشام میرسد.

در انتخابات کلید واژه پول های کثیف را زیاد میشوند. مثلا یکی از خوانده های مشهور کشور افغانی هایی درباره انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ انجام داده. آیا این مساله ای نویی هست؟ این هزینه ها در نقاط دیگر جهان شفاف تر نیست؟

خیال میکنید که شفاف هست. واقعیت این است که عمده هزینه هایی که برای انتخابات می‌شود در همه جهان شفاف نیست. برخی از آن ها شفاف می‌شود و همه آن ها شفاف نمی‌شود. در کشور ما هم همینطور است. فکر میکنم سال ۸۸ اوین انتخاباتی بود که هزینه های عجیب و غریب در انتخابات لو رفت. مثلاً دانشگاه آزاد در این رسوایی آبرویش رفت. دانشگاه آزاد زمان ریاست آقای جاسبی میلیون ها تومن

● مردم باید قراردادهای کلان و مهم و تصمیم سازی های اساسی کشور قرار گیرند؟

در دهه شصت و هفتاد و حتی دهه هشتاد تصمیم های بزرگی در این کشور گرفته می شد که مردم یا از آن ها مطلع نمی شدند یا اطلاعاتشون خیلی اجمالی بود و نسبت به آن واکنشی نداشتند. حتی نخبگان و روشنفکران و دانشگاهیان از این که در سطح اول تصمیم گیری کشور چه می گزند غالباً دوازده سال است که تصمیم های دولت و مجلس و مجمع تشخیص وسایر نهادها به روز و به لحظه توسط نخبگان و رسانه ها و دانشگاهیان برسی و نقد می شود. این خیلی اتفاق عجیبی است. زمانی که بیانیه لوزان تصویب شد و آقای ظریف و خانم موگرینی آمدند که بیانیه را بخوانند قبل از آن، این بیانیه با اغلاطش به صورت ترجمه شده روی سایت ها قرار گرفت. اگر پیغمبری می کردید مشاهده بیکاری دندن نفر از بچه های دوره دکتری و یک سری اسناد دانشگاه ها این کارها را انجام می دادند. از فردا آن روز رسانه ها نقدهای حرفة ای انجام می دانند. این خیلی به لحاظ فرهنگ سیاسی اتفاق خوش آیندی است. شما میبینید در سطوح عالی تصمیم گیری کشور هر تصمیم ممکن است با یک واکنش حرفة ای و کارشناسی در رسانه ها، محافل دانشگاهی و نخبگانی رو به رو شود. ما هر چقدر کمک کنیم که ساز و کارهای تصمیم سازی و تصمیم گیری در کشور شفاف تر شود این فرهنگ سیاسی بیشتر رشد می کند و آدم هایی که بناست به عنوان نماینده گان این فرهنگ سیاسی در دستگاه تصمیم ساز قرار گیرند، چه در مجلس و چه در دولت سطحشان بالاتر می رود. یعنی او دیگر باید کسی باشد که این اتفاقات را توضیح دهد. نمی تواند لاپوشانی کند. ما الان با دولتی طرفیم که دولت محرومراه است. خیلی چیزها را محرومراه کرده است.



● خط قرمز این تشکیلات کجاست؟

خط قرمز ما حفظ هسته اصلی گفتمان است. یعنی رفقارهای ما اصل خودش را باید نقض کند و شاخه ای که روی آن نشستیم باید بریده شود. خطا این است.

● نظر شما درباره مشخص شدن اموال نماینگان و مستولین کشور چیست؟ راهکار قانونی و اجرایی چه چیزی می تواند باشد؟

در این زمینه ما قانون داریم. مصوبه مجمع تشخیص را داریم. البته خیلی سلیقه ای در واقع اجرا می شود. برای لایه ای از مدیران به بالا الزامی هست و اعلام هم می شود متنه اعلام عمومی نمی شود. یعنی به جایی که باید اعلام شود اعلام می شود.

هست و چه کارهایی میکنند. رئیس این حزب

کیست و مردم کجا باید رای بدنه و چیزهایی از این قبیل مشخص است. این مطلب را فرهنگ سیاسی مانمی پذیرد و آن را قبیله گرایی می نامد.

تا چه حد می تواند به انتخاب مردم کمک کند؟

خیلی از اوقات آدم هایی که به اسم احزاب در مجلس قرار میگیرند بعد از ورود به مجلس دچار صفات بندی های جدیدی میشوند. این صفات بندی ها متخلف است. شما میبینید که آقای کاظم

جلالی و بهروز نعمتی در لیست امید قرار می گیرند. یا آقای علی مطهری که گزینه آقای احمدی نژاد در لیست اصول گرایان بوده در دوره بعد و دوره های بعد از آن به چهره تند جریان

مقابل برای رقابت با اصول گرایان تبدیل می شود. این فضاهای در کشور ما ژله ای است. به علت این که احزاب در کشور ما از یک بنیادهای نظری

کاملاً متفاوتی تعذیه نمیکنند. یعنی بیشتر ائتلاف بر روی قدرت است تا تفکیک پذیری نظری و فکری و گفتمانی و این خیلی بد است. بندی یک

زمانی حدود نیم ساعت از آقای باهنر اصرار میکردم که در فضای سیاسی کشور مرزهای گفتمان ها از هم مشخص باشد. یعنی ما باید در فضای

گفتمان انقلاب طوری رفتار کنیم که اگر در یک قاب چهره ها را میچینیم آدمی باشد که ضد آن گفتمان رفتار کرده باشد. وقتی شما ادعای محروم نوازی و فساد ستیزی دارید نمی توانید بین خودتان افرادی قرار دهید که سابقه فساد دارد. این می شود قبیله گرایی. میگوید چون او با من بوده من از رفشار های غلطش چشم پوشی

● این مسائل در نقاط دیگر جهان به چه نحوی است؟

در فرانسه چهار پنج حزب حساب شده و تفکیک شده دارید. سوسیال دموکرات، لیبرال دموکرات، راست افراطی، چپ افراطی وجود دارد. مردم عضو این احزاب هستند. یعنی به طور شناسنامه ای خیلی از آن ها آنجا فرم پر کردند. حق عضویت می دهند. عضو سندیکایی یا اتحادیه ای هستند. رفشار ها کاملاً تفکیک شده است. در انگلستان حزب کارگر مشخص است متعلق به چه کسانی



می کنم. من نوعی تحزب را که در آن درصد خلوص گرایی بالا باشد را می پذیرم. این که یک فردی مال ما بوده یا با ماست یا دوست ماست این ملاک نیست. اصلاح طلب ها در

متاسفانه امروز جامعه مابه دلیل نقصان‌های موجود در مسیر شفافیت از یک فساد ساختاری رنج می‌برد؛ فساد ساختاری البته تا تبدیل شدن به فساد سیستماتیک که شاخصه‌اش غیرقابل اصلاح بودن آن است، راه زیادی دارد.

همچنین ایجاد شفافیت به عنوان یک راهبرد مهم در حکومت، پیش نیاز تحقق دو ارزش عدالت و آزادی است، چرا که دسترسی آزاد به اطلاعات، می‌تواند پایه‌ای برای آزاد و نقد اجتماعی باشد و از طریق نظارت‌پذیر کردن روندها و تصمیمات، زمینه بهره‌مندی برابر از فرصت‌ها برای تحقق عدالت فراهم شود.

متاسفانه امروز جامعه مابه دلیل نقصان‌های موجود در مسیر شفافیت از یک فساد ساختاری رنج می‌برد؛ فساد ساختاری البته تا تبدیل شدن به فساد سیستماتیک که شاخصه‌اش غیرقابل اصلاح بودن آن است، متفاوت می‌باشد. اما باید به این امر توجه داشت که در فساد ساختاری، برخی ساختارها به عنوان یک مانع قابل تأمل برای زندگی سالم عمل می‌کنند و البته بعض مانع فساد نیز نمی‌شوند که این خود باعث برور معضلات مهمی در فضای اجتماعی شده است.

لذا ضروری است مسئولان و سیاستگذاران در بخش‌های مختلف کشور خصوصاً در قوه مقننه با اصلاح ساختارها و مقابله با اصل فساد و محدود نشدن آن به برخورد موردي با مفسد، اقدامات موثری صورت دهند تا شفافیت به یک ساختار حقوقی تبدیل و قانونی شود و تضمین‌های لازم برایش به وجود بیاید.

بنابراین با توجه به مقدمه‌ای که بیان شد انجام چند مهم مقدمه‌ای برای پسترسازی شفافیت و آزادی اطلاعات است که به اختصار بیان می‌شوند:

در دهه‌های اخیر موج گسترده‌ای از تحقیقات درباره علل فساد انجام گرفته و بهطور کلی فساد نه تنها مشکلی اخلاقی محسوب می‌شود، بلکه مانع عملهای برای پیشرفت و تحول نیز به شمار می‌رود؛ و در این بین شفافیت و نظارت اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین داروهای ضدفساد به شمار رفته است. اصل شفافیت به خودی خود اقدار ابزاری مهم در مقابله با فساد است که برخی نظریه‌پردازان همچون لیسترت و نارین معتقدند شفافیت به خودی خود و به‌سادگی اطلاعاتی که در دسترس است برای جلوگیری از فساد و سایر اشکال آن به اندازه کافی کار خواهد کرد. شفافیت حتی دارای پیشینه دینی نیز است بهطوری که رهبر معظم انقلاب به استناد روایتی از امیرالمؤمنین علی(ع) تأکید کردن که «شفافیت از رفاقت‌های عملی امام علی(ع) بوده و در سیره و روش امامان شیعه از جایگاه خاصی برخوردار بوده است. و از آنجایی که در اندیشه علوی، مردم نقش مهمی در حکومت دارند، حق دارند بر روند اجرای امور در چهارچوب مبانی و احکام اسلامی نظارت کنند و مقدمه این نقش مردم، شفافیت اعمال و کردار و تصمیم‌گیری های حاکمان است. ضمن اینکه آگاهی اجتماعی که محصول شفافیت است، نقش بسیاری در روند استمرار، تداوم و تسریع اهداف حکومت دارد، بنابراین همه باید در جریان اقدامات حکومت قرار گیرند تا ضمن صراحت، زمینه‌های شفافیت سیاسی در مقابل مردم نیز فراهم گردد.



علی خضریان

مدیرمسئول پایگاه خبری «خبرنامه دانشجویان ایران»

شفافیت، پیش نیاز تحقق عدالت و آزادی

پادداشت علی خضریان درباره علل عدم وجود شفافیت در کشور و ارائهٔ راهکارهای اجرایی مثل حذف دیوان سالاری، وضع قوانین متقن و نظارت بر حسن اجرای آن، آزادی بیان و فضای نقد، پاسخگویی و گزارش دهی

است که تمام آن پرونده‌های محترمانه را در یکی از کشوهای میانه مسیر گیری باگانی می‌کند. شفافیت از طریق فعال کردن نظارت همگانی باعث پیشگیری از تخلف و فساد می‌شود چراکه تمام آن ذینفعان و مخالفان که در رگ و پی ساختار عرض و طویل بوروکراسی دولتی ریشه دوانده‌اند، چه بخواهند چه بخواهند ناگزیر از توقف تخلفات و رعایت ضوابط قانونی خواهند بود چون دیگر نمی‌توانند با لابی و اعمال فشار، نهادهای نظارتی و قضایی را از کار بیندازند، حالا عملکرد آنها زیر رصد و نظارت پشمین بیانی میلیون‌ها شهروند مملکت است که نه امکان لابی و اعمال نفوذ برای تادیده گرفتن تخلفات روی‌شان مؤثر است و نه مثل قبل، امکان سهیم کردن ناظران در منافع حاصل از تخلف هست.

فایده سوم ایجاد شفافیت، استفاده از توان متخصصان و بهره‌گیری از خرد جمعی در کشف راه‌حل‌های مؤثر است. متخصصان این مملکت نمی‌توانند در شرایط بحرانی، راه حل‌های مؤثر و علمی و تجربه شده در دیگر کشورها با شرایط مشابه ارائه دهند چون همواره از داده‌ها و اطلاعات لازم برای تبیین و آزمون علمی راه‌حل‌های پیشنهادی بی بهره بوده‌اند. به اشتراک گذاشتن اطلاعات با کیفیت در حوزه‌های مختلف تصمیم‌گیری، پتانسیل انبوه متخصصان پراکنده در سراسر کشور و در حوزه‌های متعدد تخصصی را فعال خواهد کرد تا بتوانند مبتنی بر واقعیت شرایط دولت، به ارائه راه‌حل و پیشنهاد سیاستگذاری‌های مؤثر بپردازنند.

فقط برای مردم است در حالی که دولت مردان و خانواده هایشان خود در رفاه و آسایش روزگار می‌گذراند. آنها همه علت‌یابی‌ها و تبیین‌های رسمی از علل مشکلات‌شان را به دیده تردید می‌نگرند و راه حل‌های ارائه شده توسط دولت را گولزنک‌هایی بی‌خاصیت می‌پندازند، در چنین شرایطی است که یگانه راه برونو رفت از بالا مسائل مسائل موجود را می‌توان نوراکنند بر هزارهای تاریک بوروکراسی دولتی دانست چراکه شفافیت اعتمادساز است و ایجاد و افزایش اعتماد مردم به دولت، سنتگینی هر نوع راه حل واقعی برونو رفت از شرایط موجود است. مردم هرگز همراهی لازم با دولت برای گذر از شرایط سخت را نخواهند داشت مگر آنکه قبلش به دولت و عزم و اراده و توانش برای در پیش گرفتن بهترین راه حل‌ها و پیشگیری منافع مردم اعتماد کرده باشند. شفافیت یکی از مهم‌ترین راه‌های ایجاد چنین اعتمادی است حتی اگر در مراحل اولیه شفافیت‌بخشی، این خود دولت باشد که املاج حملات و انقادها قرار می‌گیرد اما اعتمادی که از رهگذر ایجاد شفافیت سیستماتیک ایجاد می‌شود، چندین برابر آن هزنه اولیه، فایده دربرخواهد داشت، بخصوص اگر هزنه افسارگری‌های موردی گاه به گاه را به آن اضافه کنیم که پیش از هرچیز ازین برند اعتماد عمومی است و تنها در نبود شفافیت سیستماتیک امکان وقوع می‌باشد.

دومین فایده ایجاد شفافیت، فعال کردن نظارت همگانی و پیشگیری از فساد است. در واقع، وقتی رانت و فساد انجان سیستماتیک می‌شود که بخش‌های مهمی از نهادهای نظارتی و قضایی را نیز درون خود فرو می‌بلعد، یگانه راه برونو رفت از شرایط، فعال کردن نظارت همگانی است. آن چیزی که می‌تواند در برخورد با مافیا پرقدرت برخورد دارد از رانت و نفوذ در دستگاه دولتی، پشتونه نهادهای نظارتی و قضایی قرار گیرد برخورد از رانت و نفوذ در دستگاه دولتی، پشتونه نهادهای نظارتی و قضایی قرار گیرد برخورد از رانت و نفوذ در دستگاه دولتی، عومنی برای برخورد با آنهاست و گزنه هر نوع برخورد و راه حلی که بخواهد به شیوه مرسوم نهادهای نظارتی، با پیگیری‌های محترمانه به نتیجه برسد، در میانه راه از مسیر بازمی‌ایستد چراکه نفوذ ذینفعان انجان پرقدرت و فراییر

مشخص است تا ظرفیت نظارت اجتماعی برای مشخص شدن تخلفات احتمالی فراهم شود. این مهم در دوران حکومت امیرالمؤمنین^[4] از سوی ایشان مورد توجه قرار می‌گرفت و ایشان ضمن گزارش دهی به مردم از آنها می‌خواهد از او سوال کنند تا ابهامی برای مردم باقی نماند. امام علی^[5] همچنین کارگزاران را از پوشاندن اطلاعات منع می‌کرد (همان: ۱۸) و حتی به آنها تاکید می‌کند کار زیاد نیز نباید باعث غفلت از پاسخگویی شود. (همان: ۵۳)

در پایان تاکید می‌شود بسط شفافیت نیازمند انجام مطالعات دقیق و آسیب‌شناسی میدانی است که عادلانه کاری بس مشکل و مهم است که نیازمند بازخوانی قوانین و بخشانه‌های موجود و ساماندهی آن در راستای رفع قوانین بعضًا تبعیض آمیز است و البته مهم‌تر از آن نظارت بر حسن اجرای قوانین است که نیازمند توجه ویژه به امر نظارت و بازرسی است.

۳. آزادی بیان و فضای نقد: یکی از ظرفیت‌های مهم در مسیر مقابله با فساد، بهره‌برداری درست از ظرفیت‌های اجتماعی بدون وابستگی‌های ساختاری و ذی نفع در جهت تقاضی است که در صورت ایجاد یک بستر مناسب برای آزادی بیان حاصل می‌شود. مجموعه تشکل‌های دانشجویی یک ظرفیت مناسب در این خصوص هستند که با برقراری ارتباط اعتمادبخش می‌توان از این ظرفیت بی‌نظیر برای مقابله با فساد استفاده کرد.



شفافیت در شرایط فعلی جامعه سه فایده مهم دارد

اولین فایده تلاش برای ایجاد شفافیت، ایجاد و افزایش اعتماد عمومی است. در واقع مسائل امروز جامعه ما انجان حاد و درهم پیچیده شده است که دولتمردان به تنهایی توان حل آن را ندانند، اصولاً مسائل اجتماعی جز با همکری و همراهی و مشارکت احاد جامعه قابل حل نیستند اما در ایران یک مشکل بزرگ وجود دارد که با حاد شدن شرایط اقتصادی- اجتماعی، پیش از پیش عميق و مسالمتمن شده است: بی اعتمادی، یکی از وجوده اصلی فرسایش سرمایه اجتماعی در ایران، همین بی اعتمادی فزاینده در رأس آن، بی اعتمادی نهادی است. خیلی ساده مردم به دولت و ساختارهای حکومتی پیش از پیش بی اعتماد شده‌اند و احسان می‌کنند شرایط سخت اقتصادی

۴. پاسخگویی و گزارش دهی: یکی از اقداماتی که کمک شایانی به ایجاد شفافیت و مبارزه با فساد می‌کند، الزام مسئولان به پاسخگویی و

پنهان کاری نه جایگاهی در اندیشه های اسلامی و نه در اندیشه های امامین انقلاب دارد. عموماً منافع اقتصادی پشت این پنهان کاری است. تجلی آن در دولت های نولیبرال به شدت برجسته است. هم در دولت آقای هاشمی و هم در دولت آقای روحانی این عدم شفافیت مشاهده می شود.

با مردم شفافیت داشته باشیم، پنهان کاری نه جایگاهی در اندیشه های اسلامی و نه در اندیشه های حضرت امام و مقام معظم رهبری دارد. این پنهان کاری مختص به یک طبقه ای است که از دولت بعد از جنگ ساخته شد و بعد جلو آمد. عموماً منافع اقتصادی پشت این پنهان کاری است. تجلی این پنهان کاری در دولت های نولیبرال به شدت برجسته است. هم در دولت آقای هاشمی و هم در دولت آقای روحانی این مساله قابل مشاهده است. حالا نکته جالب اینجاست که دولت آقای هاشمی به اندازه دولت فعلی پنهان کاری نداشت. ما در عدم شفافیت در حوزه پنهان کاری، رانت خواری و در رانت پروری در این دولت پیشرفت کردیم. این دولت امنیتی ترین دولت تاریخ انقلاب است. دولت، دولت محترمانه هاست. هیچ شفافیتی وجود نداشت. شما نگاه کنید از تاریخ روی کارآمدن این دولت همه قرارداد ها من جمله قرارداد های نفتی دچار پنهان کاری شده است. گویند که یک سری خواص محروم داریم که دل این ها خیلی برای نظام می سوزد و یک مشت توده های احمق که دلشان برای نظام نمی سوزد.

● **قرار دادهای مجموعه های عمومی و دولتی نظام، مثل وزارت خانه ها و شرکت ها و سپاه و باید شفاف باشد؟**

ساز و کارهای مدیریتی در دوران مدرن ساز و کار بیچاره ای هست. بالآخره ما در حوزه امنیتی باید پنهان کاری داشته باشیم. یا می خواهیم کاری

● آقای دکتر نادری، یک بحث مبنایی و سوال اساسی در حوزه شفافیت این است که اصولاً در نظام و ساختار حکومت های اسلامی و با محوریت ولی فقیه مسائل مختلف باید برای عموم شفاف باشد؟

تئوری ولایت فقیه که از نظام ولایت فقیه و انقلاب اسلامی بیرون می آید و در قالب جمهوری اسلامی به عنوان یک تشکیل حکومتی تجلی پیدا میکند صوری از نظریه اسلامی است. حضرت امام (ره) قراتی از این نظریه داشتند که ما به حق هم معتقد هستیم که اسلام ناب همین است. پس باید در این بستر این موضوع را بررسی کرد. وقتی شما به تاریخ اسلام و حکومت حضرت رسول (ص) و امام علی (ع) و سیره این بزرگواران و البته به متن قرآن نگاه می کنید، متوجه می شوید که تاکید جدی بر شفافیت با مردم وجود دارد. این مطلب در گفته های حضرت امام (ره) و بعد از آن حضرت آقا (مدظله العالی) مشاهده می شود. ایشان بازها بر مردم تاکید کردند و این که مردم محروم هستند. مردم باید مسائل را بدانند. این تاکیدات، تاکیدات ویژه است.

نکته جالب این جاست که حضرت آقا می فرمایند من هر چه که نظرم هست به مردم پشت تریبون می گویم. این نقطه اوج شفافیت است و از این چیزی شفاف تر نداریم. لذا تاکیدات همیشگی امامین انقلاب نشان می دهد که علاوه بر وجهه و بیچیدگی های حکومت داری و کشور داری به خصوص در دوران مدرن باید



علی قنبری
فعال رسانه، روزنامه‌نگار

پنهان کاری از دولت هاشمی شروع شد و در این دولت به اوج رسید.

گفتگو با احمد نادری، دکتری انسان شناسی سیاسی از دانشگاه فرایه بریلن، عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، پیرامون مبانی شفافیت در ساختار حکومت اسلامی و ارائه راهکارهای اجرایی جهت رفع موانع پنهان کاری در دستگاه های مختلف حکومتی

نظر جنابعالی درباره طرح شفافیت آرا در مجلس چیست؟ علت مخالفت نماینده های فعلی چیست؟

یک پارادوکس در یک دموکراسی یعنی همین. در همه پارلمان های دنیا - جاهایی که دموکراسی دارند - رای ها مشخص است. به هر لایحه یا هر طرحی. در امریکا، انگلیس آلمان و ... به همین شکل است. یک نکته جالب این که اگر پارلمان آلمان تشریف ببرید با یک ساختمان تاریخی مواجه می شود. این مکان یک مکان توریستی است. مردم پله هایی را بالا می روند و به یک گنبد می رستند. یک گنبد شیشه ای. پارلمان جلسه دارد و نماینده ها بحث می کنند و مردم این را می بینند. این قدر شفاف و شیشه ای. لذا

این یک پارادوکس هست که ما در یک نهاد انتخابی بنشینیم، یا یک ساز و کاری که در نظام مردم سalarانه هست و عدم شفافیت داشته باشیم.

عجیب این است که مقاومت شکل می گیرد. از طرف یک عده ای که فکرش را هم نمی کنند. کسانی که شعارشان همه شفایت است. این یک تناقض بی سابقه است. اولین مصوبه مجلس آینده بایستی همین باشد. که آرای نمایندگان باید شفاف باشد. حق مردم است که بدانند نماینده شان چه رایی داده است. نکته مهم تر اینکه نماینده در حوزه عمومی قابل نقد باشد.

کار جدی مجلس آینده در جهت شفاف شدن امور چه می تواند باشد؟

مجلس آینده باید مجلسی باشد که تراحم قوانین را از بین ببرد. هزاران قانون در همین پارلمان تصویب شده اند. جاهایی صد درصد معارض هستند. این قوانین آن چنان قدرت تفسیری به قوه مجریه می دهد که می تواند سلیقه ای هر کاری می خواهد بکند. فسادهاین جا شکل می گیرد.

فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، البته سه مورد غیر از مجلس در موارد خاص قانون گذاری میکنند. قانون گذاری جدی را در مجلس شاهد هستیم. پارلمان هم شان قانون گذاری و هم شان نظارتی دارد. یعنی هم ریل می گذارد و هم در ریل نگه می دارد. لذا از بین سه قوه پارلمان می تواند جدی ترین بازیگر در حوزه شفافیت باشد.

مشکل مجلس فعلی چیست؟ آیا در ساختار است؟

مشکل در درجه اول خود نماینده ها هستند. ساختار انتخابات در مجلس معیوب است. شما یک سری آدم ها را می بینید که با یک ساختار معیوب خود را به بالا می کشند. بعضاً پول های آن چنانی کثیف در انتخابات خرج می کنند. در یک حوزه انتخابیه که بیست هزار رای در آن وجود دارد، نماینده ای ده میلیارد تومان پول خرج می کند. آیا این منطقی است که ما تصور کنیم برای رضای خدا بیست، سی میلیارد پول خرج می کند؟ این فرد می داند اگر این پول را بیاورد در آن چهار سالی که هست می تواند چند برابر این پول را در بیاورد. این مشکل ریشه در قانون انتخاباتی ناسالم دارد. اتفاقاً آن نماینده هم می داند که وقتی پایش به مجلس رسید خیلی نظراتی به او نیست. هر کاری دلش بخواهد می کند. شما نماینده ها را نگاه کنید. یک مصویت بی جا برای نمایندگان پارلمان خلق کردیم که این آدم اگر قتل هم بکند کاری به او ندارند. اگر بزرگ ترین فساد تاریخ ایران را هم رقم بزند کاری با او ندارند. کجای دنیا چنین مصونیتی برای نماینده هایشان قائل هستند؟ لذا علت العلل خود پارلمان و آدم هایی که به پارلمان می آیند و قبل از آن ساختار انتخابات است.

نظر جنابعالی درباره طرح شفافیت آرا در مجلس چیست؟ علت مخالفت نماینده های فعلی چیست؟

دیگر مربوط به موضوع ایرانیت است. دولت ملی باید اشخاصی را تربیت کند که اینها انسان های درست و شایسته ای باشند. یعنی به طور سیستماتیک من کنشگر جوری تربیت بشم که میل به فساد نداشته باشم. میل به پنهان کاری و عدم شفافیت نداشته باشم. این سطح اول است که خیلی هم دراز مدت می باشد. منتهی این سطح به تهایی کفایت نمی کند. شما هر چقدر هم آدم ها را خوب تربیت کنید، عیوب آن آدم ها همراهشان هست. گریز از مرکزی که همراه با نفس اماره و شیطان همراه انسان وجود دارد، میلی جدی هست. هر لحظه هم امکان دارد اگر شرایط بخوریم. یا به تعییر جامعه شناختی رفتاری کج روانه داشته باشیم. پس باید سطح دوم که سطح بسیار مهم تری هست را به صورت فوری مورد توجه قرار دهیم. این سطح یک پیش گیری سیستماتیک هست. یعنی شما باید جوری ساز و کارها را تقویت کنید که این ساز و کارها پیش گیری کند از رفتارهای کج روانه و نابه هنجار افراد در حوزه شفافیت، رانت خواری و ... یک سیستم هست که می تواند آن را هدایت کند. پایه آن سیستم قانون گذاری است. سیستم های مدرن همین است. یک سری قوانین دارند که رفتارها را شکل می دهد.

مشکل مافی الحال در همین قانون گذاری است. مشکل ما سیستماتیک است. یعنی ساختارها به برخی از کنش گرها اجازه داده اند عدم شفافیت را سر لوحة داشته باشند. اند به برخی که رفتار کج روانه داشته باشند. به برخی اجازه داده اند که فاسد شوند. به برخی اجازه داده اند که دزد باشند.

این باید از طریق پارلمان حل شود. در ایران چهار نهاد قانون گذاری داریم. پارلمان (مجلس)، شورای عالی فضای مجازی، شورای عالی انقلاب

مثالاً در حوزه اقتصادی انجام دهیم که دشمن متوجه نشود، خب این پنهان کاری خاص خود را می طلبد. این ها پیچیدگی های کار است منتهی استننا است. این که ما این استثنای را تبدیل به قاعده کنیم و تمامی قراردادها و مسائل از چشم مردم دور بماند ناپسند است.

● آقای دکتر، به عنوان یک استاد دانشگاه بفرمایید که عدم شفافیت در مراکز علمی چه مشکلاتی به بار می آورد؟

یکی از نمونه های پنهان کاری در حوزه پژوهش است که در دانشگاه ها می بینیم. یک طبقه ای به وجود آمده که از پژوهش بودجه های میلاری کسب می کنند. این طبقه در همکاران من وجود دارد و هیچ شفافیتی هم در این زمینه وجود نداشته است.

● در چه سطوح دیگری این پنهان کاری بیشتر به چشم می خورد؟ حقوق افراد و مسئولین. افراد و مسئولینی هستند که حقوق چند ده میلیونی می گیرند و به هیچ جا هم پاسخگو نیستند. اتفاقاً این موضوع را قانونی هم کردند. این افراد طبق آین نامه هایی که خودشان نوشته اند کار غیرقانونی انجام نداده اند. مدیر عامل بانک رفاه ۲۵۲ میلیون حقوق می گرفت. جای مهر هم بر پیشانی اش بود، نماز هم می خواند. الان هم این حقوق های نجومی وجود دارد و شما تصور نکنید که جمع شده است.

● این برخوردها با مفسدان حکم نوشدارو بعد از مرگ سه راه را ندارد؟ راه حل اساسی در پیشگیری نیست؟

پیش گیری در دو سطح می تواند اتفاق بیافتد. سطح اول که سطح مهمی هم هست سطح تربیتی است. یعنی استیت باید از همه کانال ها (مانند آموزش و رسانه) و همه نهاد ها (هم چون دین، اقتصاد، سیاست) برنامه ای داشته باشد برای آموزش انسان طراز انقلاب اسلامی. بخش

اقدامات علنی، فضایی آزاد و رقابتی را شکل می دهد و فرصت‌های بیشتر طبیعی توزیع می‌شود و این مطلب تا جایی پیش می‌رود که عده‌ای شعار «تنها راه مبارزه با فساد و افراد فاسد، شفافیت است» را به شعار عمد و هدف گذاری اصلی خود تبدیل می‌کنند.

دید همگان و مورد نقد قرار بگیرد و اصولاً این شفافیت، از اصول پایداری سیستم و حکمرانی ما، و کم هزینه ترین روش تصحیح قصور و خطاهای مبارزه با تقصیرها خواهد بود.

- مسئله فساد و انواع آن، و نقش و ضریب شخصیت‌های حقیقی و حقوقی و ساختارها در فرآیند شکل گیری آن، مسئله‌ای پیچیده، مهم و طولانی است و در این مطلب کوتاه قابل بررسی نیست. متهی به صورت خلاصه و کلی باید گفت: در روند مبارزه با فساد (هم در پیشگیری و هم کشف جرم)، افزایش مسؤولیت‌پذیری و پاسخگویی، ارتقاء شایسته سالاری، مشارکت فعلی و مؤثر مردمی، کاهش هزینه و زمان، و در نتیجه افزایش کارآمدی و سرمایه اجتماعی، همه و همه، شفافیت رکن اصلی، مسئله‌ای منطقی و بدینه می‌نماید.

- حکومت‌ها و مخصوصاً حکومت‌های ایدئولوژیک و مبتنی بر اهداف و امنیت‌های والا، عموماً توسط لایه‌ای از طرفداران سخت محافظت می‌شوند و این ساختار یا طبقه یا گروه اجتماعی، مورد طمع فرست طبلان و در معرض امتحان عقیده مندان است. «رانت» اصلی ترین پدیده این صحنه است و شفافیت، این رانت‌ها را از بین می‌برد؛ چرا که اقدامات علنی، فضایی آزاد و رقابتی را شکل می‌دهد و فرصت‌ها به صورت طبیعی توزیع می‌شود و این مطلب تا جایی پیش می‌رود که عده‌ای شعار «تنها راه مبارزه با فساد و افراد فاسد، شفافیت است» را به شعار عمد و هدف گذاری اصلی خود تبدیل کرده‌اند.

برای بررسی و آسیب‌شناسی ساختارها و نهادهای سیاسی اجتماعی ایران اسلامی و رفشار- حکمرانی ما در طول ۵۰ سال اول انقلاب (۴۰ سال)، نیاز به رویکردهای جزء نگر - تحلیلی و کل نگر- ترکیبی به صورت همزمان و استفاده از دانش‌های فلسفه سیاسی، اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی حس می‌شود. ضرورت این مسئله در «سیاست ورزی مومنانه» معطوف به خدمت و در چارچوب مکتب و بر اساس تکلیف، بر کسی پوشیده نیست. شناخت چیستی (ماهیت) قدرت، منابع و روش‌های تولید قدرت، هزینه‌ها و اهداف قدرت، اخلاق قدرت، مهار و توزیع قدرت، مشروعیت قدرت، آرمان و اندیشه‌های انقلابی قدرت و مباحثی از این دست، پیش نیاز وارد به بحث آسیب‌شناسی گام اول و طراحی‌های دقیق و هوشمندانه برای گام دوم انقلاب خواهد بود.

در این نوشته کوتاه، سعی دارم به یک نماد مهم، و بخش کوچکی از این تاملات راهبردی پردازم و آن مسئله «شفافیت» در حکمرانی و آثار و ضرورت‌های آن است:

- نرم افزار انقلاب اسلامی برای حکمرانی آرمانی در ایران که در میان خون و آتش و در روزهای سخت به مرور تهیه، آزمایش و تولید شده و اکنون در نزد ماست، بدون شفافیت در ساختارها و عملکردهای مبتنی بر آن نمی‌تواند مورد بررسی دقیق برنامه نویسان حوزه حقوق عمومی و سیاسیون مکتبی و دغدغه مدار قرار گیرد. باگ ها و خطاهای سیستم، باید شفاف و در معرض



علی جعفری
کارشناس ارشد حقوق عمومی
دبیر اسیق جنبش عدالت خواه دانشجویی

رانت، ولد نامشروع عدم شفافیت است

در این یادداشت علی جعفری مطالبی در رابطه با مسئله شفافیت در حکمرانی و آثار ضرورت‌های آن بیان کرده است.

قانون، شفافیت و مشارکت خوب، اولین و مهم ترین اولویت طراحان گام دوم انقلاب و نخبگان سیاسی است و باید بر سر این مسئله، اجتماعی ملی شکل بگیرد. از میان این شاخص‌ها، شفافیت را می‌توان یک رکن بنیادین جهت نیل به اهداف انقلاب اسلامی در نظر گرفت که خود زمینه ساز و تقویت کننده دیگر شاخص‌ها نیز به شمار می‌آید. چه رویکرد حقوق اسلامی (حاکمیت مطلق و ذاتی بر جهان و انسان‌ها از آن خداوند است و حکمرانی در این نگاه، با مسئله امامت و ولایت پیوندی ناگستینی دارد و حکومت در نگاه، علاوه بر مسائل مادی جامعه، ابزاری برای زمینه سازی و تسهیل رشد معنوی، اخلاقی و دینی مردم و سعادت ابدی و مادی آنهاست) و چه رویکرد حکومت داری خوب بر اساس الگوهای غربی (با اعتقاد به شاخصه‌های سکولاریسم و اوانیسم، مبنای حکومت صرفاً به اراده و خواست اکثریت عددی مردم گره می‌خورد و غایت آن توسعه و رفاه مادی خواهد بود)، شفافیت یک رکن بنیادی است و هیچ بهانه‌ای برای نادیده گرفتن آن در دست نداریم.

در پایان باید گفت تقویت مطالبه گری عمومی و جرات دادن به مردم برای تحصیل مطالبات قانونی و نقد رفتار کارگزاران و آسیب‌شناسی روندها در قالب تشكل‌ها و تحت نظارت نخبگان (مبارزه با پدیده پوپولیسم سیاسی)، علاج فوری بسیاری از دردهای امروز جامعه ماست.

- در اسلام و مبانی دینی ما، در همه مسائل غیر از جنگ و مسائل کلان امنیتی که پای دشمن و دشمنی در میان است (البته نباید اجازه داد توسط عمدتاً دغدغه مندان و نیروهای خدوم، تقاضای امنیتی خود را به همه شئون اجتماعی توسعه دهنده)، به شفافیت تأکید و توجه شده است؛ شفافیت از حقوق سیاسی اساسی مردم به شمار می‌رود و یک نظام سیاسی با شفافیت می‌تواند اعتماد مردم، وفاق ملی، حاکمیت قانون، عدالت و از همه مهم‌تر حمایت و اعتماد مردم را جلب کند.
- مطلب دقیق و مهم اینکه «بر اساس راهنمای اتحادیه بین المجالس در خصوص تجارب موفق پارلمانی و مردم سالاری در قرن پیش و یکم، نمایندگی جامعه‌ی متعدد و متکثر، شفافیت، پاسخگویی، در دسترس بودن و مؤثر بودن ۵ شاخص پارلمان مردم‌سالار و مطلوب است. مجلس شورای اسلامی به عنوان مهم‌ترین نهاد مردم‌سالار، وظیفه قانونگذاری و نظارت بر امور اجرایی را برعهده دارد و نقش بسیار مهمی در پیشرفت و توسعه کشور دارد و در این زمینه دارای اختیارات و تکالیف متعددی است. مجلس شورای اسلامی برای رسیدن به جایگاه عالی خود به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای حکمرانی کشور لازم است در ابتداء ساز و کارهای خود را بهبود بخشید و ویژگی‌های یک پارلمان مطلوب را در خود تحقق بخشد تا قادر باشد بستر توسعه و پیشرفت کشور را نیز فراهم کند. در غیر این صورت مجلسی که خود ویژگی‌های توسعه یافته‌گی را دارا نمی‌باشد، نخواهد توانست جامعه و کشور را اصلاح کند و در آن پیشرفت ایجاد کند. در همین راستا شفافیت انتخاباتی به عنوان مسیر ورود افراد شایسته به مجلس شورای اسلامی، با توجه به تزدیکی انتخابات، از اهمیت ویژمایی برخوردار است.
- موضع تحقیق چهار شاخص پاسخگویی، حاکمیت

مناصب انتخابی (انتخابات ریاست‌جمهوری، مجلس و شورای شهر) و اهمیت این هزینه‌ها در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بعدی منتخبان، از این دست مطالب بوده است؛ همان طور که لیست‌های انتخاباتی، جبهه‌های فصلی، احزاب و تشکل‌های سیاسی نیز باید در همین چارچوب مورد بررسی و قانونگذاری و نظارت قرار گیرند. بدینهی است هرچه درجه شفافیت در انتخابات افزایش یابد، دموکراسی و مردم سالاری با غنای بالاتر و مفید تری پیش روی ما قرار می‌گیرد.

● به غیر از بیت‌المال که تقریباً همه جریان‌های سیاسی آلوده استفاده از این بنیع لا یزال هستند (مستقیم و غیر مستقیم؛ تحت عنوان کمک‌های دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی، مؤسسات، سازمان‌ها و شرکت‌هایی که به هر نحو و به هر مقدار از بودجه عمومی دولت و شهیداری‌ها استفاده می‌کنند و ...)، باید تامین منابع از سایر محل‌ها از جمله کمک‌بیگانگان اعم از دولت‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی، استفاده از منابع نامشروع از جمله منابع ناشی از جرایم سازمان یافته، فاجاق و مواد مخدوش پوششی هم در یک طرح جامع مدنظر قرار گیرد. البته صرفاً محکوم کردن یا ارزش‌گذاری روی کاغذ دردی را دو نخواهد کرد بلکه تهیه آینین نامه‌های اجرایی و طراحی ساز و کار اجرایی کردن این مسائل مهم، از اصل تهیه یک طرح و کتابچه چند صفحه‌ای مهم تر است.

همه جانبه ایرانی-اسلامی خواهد بود.

یکی از آفات بحث‌های اساسی و اصلاحات ساختاری، شعاری رفتار کردن متولیان امر و فصلی بودن مطالبات آنهاست که در میان هیاهوها و تعارضات جناحی، این مباحث دستمالی و آلوده می‌شوند و در مراحل بعد، پیگیری این ضرورت‌ها با برچسب‌های قبیله‌ای توان می‌شود؛ لزوم شفافشدن منابع و هزینه‌های رقابت نامزدهای



نگاهی به طرح ”لزوم شفافیت آرای نظام تقینی“

مشکل اول این طرح به مغایرت آن با برخی از اصول قانون اساسی از جمله اصول ۱۰۸ و ۱۱۲ برمی‌گردد. در اصل ۱۰۸ قانون اساسی تصریح شده که آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری منحصراً توسعه خود آن‌ها قابل تغییر است. همچنین اصل ۱۱۲ صلاحیت انتشار مذاکرات و آراء مجمع تشخیص مصلحت نظام را در صلاحیت خود آن مجمع می‌داند.

این بدین معناست که مجلس شورای اسلامی مطابق قانون اساسی اساساً حق ورود به آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد. حال آنکه در این طرح بحث شفافیت آراء نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز مطرح شده است. بنابراین این طرح از لحاظ قانون اساسی دارای ایراد است.

مشکل دوم این طرح با توجه به اصل ۶۵ قانون اساسی وجود مناقشه در حوزه‌ی کمیت ارا برای تصویب این طرح است. در اصل ۶۵ قانون اساسی بیان شده که آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی باید به تصویب دو سوم نمایندگان مجلس برسد. حال در این طرح ما با یک ماده واحده موافقه هستیم که در آن هم تغییر آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مطرح شده و هم سایر نهادها مانند شورای نگهبان، هیئت وزیران و ...

اکنون سوال این جاست که تصویب این طرح در صحن مجلس، به رای دو سوم نمایندگان نیاز دارد یا همان رای حداقلی کافی خواهد بود. این اشکال مادامی که این طرح تنها از یک ماده واحده تشکیل شده باشد پارچه خواهد بود لذا لازم است کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی موضوع شفافیت آراء مجلس شورای اسلامی را در ماده‌ی جداگانه‌ای اضافه کند.

اشکال سوم این طرح، ایجاد تکلیف قانونی برای نهادهای مختلف بدون در نظر گرفتن محل تامین منابع و اقتضایات خاص آن سازمان‌ها است. در واقع این طرح تکلیف مالیاتیکی را بر دوش شوراهای شهر و روستا می‌گذارد. همانگونه که در این ماده واحده آمده، تمامی نهادهای ذکر شده می‌باشد مشروح مذاکرات خود را در سامانه‌های اینترنتی بارگذاری کنند. شاید نمایندگان محترمی که این طرح را تدوین کرده‌اند با میزان هزینه راهاندازی سامانه‌ها و پیاده سازی شرخ مذاکرات آشنا نباشند. سوال اینجاست که مگر چه تعداد از شوراهای روستا و شهر کشور یک سامانه اینترنتی فعال دارند، چه رسید به بروزرسانی دائمی مشروح مذاکرات آن‌ها. هزینه پیاده کردن و تدوین مشروح مذاکرات شوراهای شهر و روستا به قدری برای این شوراهای زیاد است که اجرای این قانون را غیرممکن می‌سازد. تصویب قانونی که قابلیت اجرا ندارد، امری غیرحکیمانه است.

مشکل بعدی در خصوص استثنای نکردن مشروح مذاکرات در خصوص احرار صلاحیت نامدهای نمایندگی مجلس و ریاست جمهوری است. در بسیاری مواقع، شورای نگهبان در مورد احرار صلاحیت‌های نامدهای انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی اسراری از زندگی خصوصی فرد را بررسی می‌کند که حریم شخصی و خصوصی آن فرد است و شورای نگهبان تنها به آن دلیل که شخص کاندیدای ورود به عرصه اعتماد عمومی شده است، اجازه ورود به حریم خصوصی فرد را پیدا کرده است. بنابراین شفافیت و انتشار عمومی این بخش از مشروح مذاکرات شورای نگهبان به لحاظ شرعی ایراد دارد.

نهایتاً باید گفت، در صورت عدم اصلاح ایرادات فوق این طرح قطعاً به تصویب نهایی نخواهد رسید.

شفافیت آراء نمایندگان مجلس موضوعی است که در چند هفته گذشته بحث‌های فراوانی را در محافل عمومی و نخبگانی کشود به وجود آورده است. از زمانی که محمدجواد فتحی، نماینده اصلاح طلب شهر تهران، برای اولین بار طرح «شفافیت آراء نمایندگان مجلس» را در اذرماه سال ۱۳۹۶ به مجلس ارائه داد، طرح‌های مختلفی در این رابطه ارائه شدند اما هیچ کدام از آن‌ها به سرانجام مطلوبی نرسیدند. موافقان و مخالفان طرح شفافیت آراء استدلال‌های مختلفی در این رابطه داشته‌اند. یکی از سوالاتی که مخالفان در رابطه با این طرح‌ها بیان می‌کنند این است که چرا تنها به شفافیت آراء نمایندگان مجلس پرداخته شده و شفافیت سایر نهادهای تصمیم‌گیر کشور مدنظر قرار نگرفته است. برپایه‌ی همین پرسش، برخی از مخالفان طرح‌های گذشته، طرحی جدید با عنوان «شفافیت آراء نظام تقینی» به مجلس ارائه کردند. این طرح تنها یک ماده واحده و یک تصویب دارد. بدون شک هر اقدامی در زمینه شفافیت آرا (چه مجلس و چه سایر نهادهای قانونی) اقدام مبارک و قابل تقدیر است. اندیشکده شفافیت برای ایران نیز از سال‌های گذشته تیمی با عنوان نظمات شورایی ایجاد کرده و به دنبال شفافیت در همه نهادهای شورایی و تقینی کشور بوده و این موضوع برای اندیشکده از اولیوت بالایی برخوردار بوده است.

البته این پرسش، پاسخ بسیار ساده‌ای دارد. نسبت مردم با نمایندگان مجلس بک نسبت مستقیم و بدون واسطه است. ما از نماینده خود مطالبه شفافیت می‌کنیم، نماینده ما نیز وظیفه دارد از سایر نهادهایی که دسترسی مردم به آن‌ها سخت‌تر و گاه‌ها صرف از طریق مجلس شورای اسلامی می‌سیر است مطالبه شفافیت کند. چون نسبت ما در نهادهای انتصابی یا نهادهای دیگر غیر از مجلس شورای اسلامی نسبت درجه‌ی دوم است. ما قطعاً به دنبال شفافیت در همه نهادها هستیم اما در اولین سطح و رده، مجلس شورای اسلامی قرار دارد چرا که مردم بی‌واسطه با آن ارتباط دارند.علاوه بر این مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی از اختیارات بالایی برخوردار است و می‌تواند در حدود مقرر در قانون اساسی برای سایر نهادها نیز در حوزه‌ی شفافیت قانون‌گذاری انجام دهد. مجلس نقطه شروع شفافیت آرای سایر نهادهای پایان آن نیست!

شفافیت آرای سایر نهادهای پایان آن نیست! در ادامه به بررسی بیشتر طرح مذکور با رویکرد تخصصی بذوق توجه به جهت‌گیری‌های سیاسی و نیت‌خوانی طراحان این طرح پرداخته شده است. طرح «شفافیت آراء نظام تقینی» با اشکالات متعددی روبروست که در صورت عدم رفع آن‌ها در کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی، قطعاً تصویب و اجرای آن با نیستهای زیادی روبرو خواهد شد. برخی از ایرادات بربوط به این طرح ایرادات شکلی و نگارشی است که در این نوشتار به آن‌ها نمی‌پردازیم اما سایر ایرادات که ماهیت حقوقی طرح را با چالش مواجه می‌کند در زیر به اختصار بیان می‌شود.

شرح مناظره لیبرال- مقاومت در سیاست خارجی: از پسابر جام تا شهادت سردار سلیمانی

که؛ «می‌توان الگوی برجام را با برجام‌های ۲ و ۳ مجدداً تکرار کرد».

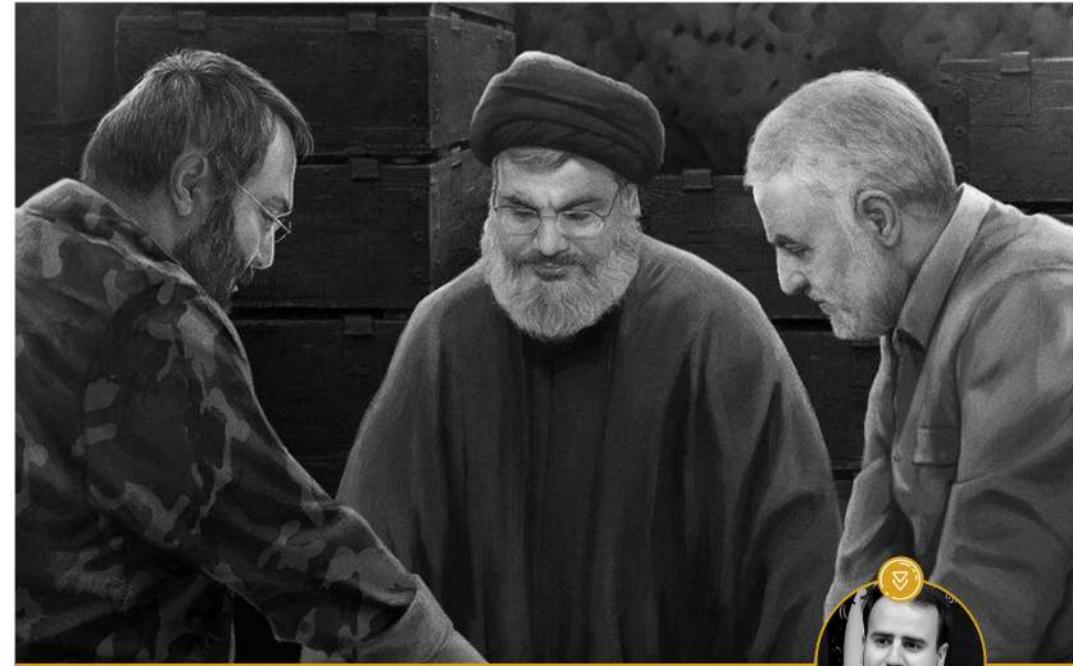
● پرسش اصلی نولیبرال‌ها؛ چگونه برجام را تکرار کنیم؟

مبتنی بر الگوی لیبرالیسم، برای اینکه دستیابی به کالای امنیت تضمین شود، بایستی وارد «وابستگی متقابل اقتصادی» شد. براین‌مبنای دولت اعتدال از ابتدای برجام به نحو اشکاری وارد این فرایند شد که با جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌ویژه در حوزه نفت با ورود «توتال» و «شل» و ... می‌توان غرب را بر سفره اقتصادی پهن‌شده نمک‌گیر کرد. هرچند آنچه درنهایت حاصل شد را می‌توان با مثال سرمایه‌گذاری و ساخت کارخانه سیگار با سرمایه‌گذاری انگلستان بهروشی دید. البته این تجربه پیش‌تر در دوران دولت سازاندگی نیز وجود داشت. در جاییکه ایران میدان نفتی سیری را به شرکت «کنکو» آمریکایی ارائه نمود، تا با ایجاد دسترسی به نفت ایران برای آمریکایی، تنش‌زدایی را به ارمغان بیاورد. اما «از قضا سرانگین صفرا فزود» و نه تنها تنش‌زدایی حاصل نشد، بلکه آمریکا با تحریم‌های همه جانبه اقتصادی موسوم به «داماتو» حتی برای سرمایه‌گذاری سایر کشورهای عربی در ایران نیز مانع ایجاد نموده و در همین دوران نیز برای نخستین بار واژه «یاغی» در توصیف ایران در موضع سیاست خارجی آمریکا بکار رفت.

● بحران در برجام؛ غربی‌ها لیبرال نیستند! برخلاف درک مبتنی بر لیبرالیسم از سوی

● طرح مستله در فضای آثارشیک نظام بین‌الملل مهمترین اصل برای هر دولتی؛ حفظ امنیت است. چه اینکه امنیت اصلی ترین پیش‌نیاز پیشرفت جامعه است. بر این مبنای دانش سیاست بین‌الملل و همچنین در فضای سیاسی کشور ما همواره مناظره‌های در جریان بوده است که کالای امنیت را چگونه باید بدست آورد؟ توجه به گزاره‌های تحلیلی در این مناظرات، می‌تواند گویای واقعیت‌های موجود دوران پسابر جام و همچنین راحل‌های مطلوب برای برونو رفت از بحران‌های سیاست خارجی کشور در حوزه پرونده هسته‌ای، مسائل منطقه‌ای و ... باشد.

● نولیبرالیسم ایرانی؛ همکاری و مذاکره نو لیبرال‌های وطنی در قامته دولتمردی یازدهم و دوازدهم، بر این مستله تأکید دارند که؛ امنیت کالایی همگانی است که می‌توان از طریق مشارکت آن را کسب کرد، به‌گونه‌ای که یک بازی «برد-برد» برای طرفین اتفاق بیافتد. بر این مبنای ایران در میز مذاکرات هسته‌ای؛ «شفافیت» و «محددیت» را عرضه کرد و متقابلاً «رفع تمامی تحریم‌های مالی و اقتصادی را به شکل بالمره» تقاضا نمود. «برجام» که متولد شد، والدین ایرانی با درکی لیبرالی از عرصه بین‌المللی، آن را «الگویی موفق» و «افتخاری تابان» قلمداد کرده و آنرا در حل سایر منازعات بین‌المللی ریزودرشت بهار برجامی این گمانه را با خوشحالی می‌زند



دکتر عبدالله مرادی
دکتر ایزدیل بین‌الملل
پژوهشگر امنیت و تحریم‌ساز



مبارزه بر سر موازن
حمله به عین‌الاسد بر مبنای منطق واقع گرایی با تاکید بر بیشینه سازی قدرت بود

اینجا به واسطه نگرش واقع‌گرایانه، با همان منطقی بازی خواهد کرد که دشمن بازی خود را سامان داده است؛ منطق قدرت.



● گام دوم؛ بازگرداندن موازنۀ در اضطرار منطق قدرت می‌گوید؛ هنگامی که ترامپ به عنوان طرف پیروز ماجرا منتظر نشسته است تا «اضطرار»، ایران را به‌سوی توافق با او بکشاند: «من کلی وقت دارم. ولی آنها کشوری دارند که درگیر آشونتگی اقتصادی است». باید در مقابل برای او نیز دست کم به همان میزان «اضطرار» ایجاد شود.

● عزم ایران در مقابله با دزدی دریایی انگلستان با توقیف نفت‌کش در تنگه هرمز، هدف قرار دادن پهپاد مت加وز آمریکایی و گام‌های کاهش تعهدات برجامی همگی حرکت به‌سوی ایجاد «توازن در اضطرار» از طریق «تنوع در پاسخ» بودند.

ثبات در بازار ارز علیرغم حجم بالای تنش‌های خارجی و اقدامات قوه قضائیه در مبارزه با فساد و ... نیز همگی، به‌مثابه تنویرخشی به پاسخ‌های ایران به فشارهای آمریکا بوده است.

برای یک مذاکره موفق، زمان مناسب، هنگامی خواهد بود که ایران تحت شرایط اضطرار اقتصاد داخلی و درحالی که لیرال‌های دولتی مدام پیام ضعف مخابرۀ می‌کنند، پشت میز مذاکره نشینند.

طرف دیگری نیز وجود دارد که می‌توان از آن به «مقاومت گرایی» یاد نمود. این جویان که پیشتر از سوی گفتمان اعتدالی حاکم متهمن به «انقلابی گری غیرعادلانه» می‌شد، اما از منظر مقاومت، مذاکره آنگاه می‌تواند مطلوب باشد که در نتیجه موازنۀ قدرت حاصل شده و بر اثر مذاکره، موازنۀ برهم نخورد. ایرادی که از ابتدا نیز به برجام وارد بود. با اتخاذ راهبرد فشار حداکثری آمریکا، اولین چیزی که بی‌اعتبار شد گفتمان لیرال در کشور بود، گفتمانی که نتوانسته بود درکی مطابق واقع از تحولات سیاست بین‌الملل بdest دهد.

● گام اول؛ نه جنگ، نه مذاکره

در گفتمان مقاومت ابتدا «نه جنگ و نه مذاکره» مفهوم‌سازی گردید بدین معنا که برای مذاکره باید «کالایی» برای معامله بوده و مهمتر از آن باید «خریداری» هم باشد تا «معامله» سر برگیرد!

در حالیکه ایران به‌واسطه تغییر شدید توازن به زیانش دیگر «کالایی» برای فروش ندارد، اما مهمتر این است که آمریکا هم فعلاً در پی معامله و مذاکره نیست، بلکه اصولاً «تسليمه» را دنبال می‌کند. همچینین بجای مدام از احتمال «جنگ» سخن گفتن و مطلع کردن کشور برای مذاکره‌ای بایستی به «اصلاح داخلی» اندیشید. ایران با این منطق «نه جنگ نه مذاکره»، تندیاد آمریکا در بالا بردن فضای جنگی با قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست گروههای تروریستی (FTO) را پشت سر گذاشت. پس از آن نیز رهبری معظم انقلاب در سخنانشان با «آبه شینزو» نخست وزیر ژاپن، عدم مذاکره را به «بدعه‌های آمریکا ارجاع داده تا «نه مذاکره» را نیز نشان دهند. اما بهسرعت این پرسش نیز مطرح شد «حالا که جنگ نشد، مذاکره هم نمی‌کنیم، پس چه باید کرد؟» گفتمان مقاومت در

برای فشار بیشتر به ایران و تحمیل بیشتر خواسته هاست، بدون اینکه قرار باشد «رفع بالمره تحریم‌های مالی و اقتصادی» حادث شود.

تفاوت فقط در این بود که اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران را آیا باید با خروج از برجام صورت داد؛ یا اینکه در برجام ماند و به‌همانه‌های دیگر تحریم‌ها را اعمال کرد؟

واضح است که ترامپ راه نخست را انتخاب کرد. چرا که از منظر او موازنۀ آنچنان به زیان ایران تغییر کرده است که این کشور «جز درخواست هایی بی‌نتیجه از اروپایی‌ها همچ بدل دیگری در اختیار ندارد» آنهم در حالیکه «نظاره‌گر اقتصاد در حال فروپاشی خود است».

همچنان که «اویاما» از عدم توانمندی خود گفته بود که در غیر این صورت «پیچ‌مهره‌های صنعت هسته‌ای ایران» را نیز باز می‌کرد. غرب از فردادی ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ با منطق رئالیستی قدرت کوشید تا موازنۀ را علیه ایران برهم بزند. در حالیکه دولتمردان ایرانی با منطق لیرالی در فکر فتح قله‌های جدیدتر برجامی بودند. لذا آنچه بر سر برجام آمد (خروج رسمی آمریکا و عدم اجرای تعهدات اروپا به شکل حداکثری)، نتیجه غیرواقع بینی ترامپ نیست. (آنچنان که مسئولان دیپلماسی کشور می‌گویند) آنچه بر سر برجام رفت، محصول این بود که دولتمردان ایرانی عرصه سیاست بین‌الملل را از دریچه خوش‌بینی لیرال می‌نگریستند. در حالیکه منطق سیاست بین‌الملل، حداقل در آنچا که مربوط به روابط غرب با دیگران می‌شود، نه لیرالی بلکه کاملاً رئالیستی است.

● گفتمان مقاومت؛ موازنۀ و مذاکره در مناظره موجود در سیهر سیاست خارجی ایران،



نولیوال‌های ایرانی، اما در طرف غرب نه لیرالیسم، بلکه «رئالیسم» منطق رفتاری آنها را شکل می‌داد. به همین دلیل در دوران پس‌برجام چه مقطع حضور «اویاما» در کاخ سفید و چه پس از آن با آمدن «ترامپ»، همچنان فشار بر ایران حفظ شد.

طرف غربی به‌خوبی می‌دانست برجام توافقی است که بر مبنای برد برد حاصل نشده، بلکه بر جام نتیجه «موازنۀ قدرت» بوده که آمریکا را ودادار به پذیرش ولو تلویحی حقوق صلح‌آمیز هسته‌ای ایران نمود.

همچنان که «اویاما» از عدم توانمندی خود گفته بود که در غیر این صورت «پیچ‌مهره‌های صنعت هسته‌ای ایران» را نیز باز می‌کرد. غرب از فردادی ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ با منطق رئالیستی قدرت کوشید تا موازنۀ را علیه ایران برهم بزند. در حالیکه دولتمردان ایرانی با منطق لیرالی در فکر فتح قله‌های جدیدتر برجامی بودند. لذا آنچه بر سر برجام آمد (خروج رسمی آمریکا و عدم اجرای تعهدات اروپا به شکل حداکثری)، نتیجه غیرواقع بینی ترامپ نیست. (آنچنان که مسئولان دیپلماسی کشور می‌گویند) آنچه بر سر برجام رفت، محصول این بود که دولتمردان ایرانی عرصه سیاست بین‌الملل را از دریچه خوش‌بینی لیرال می‌نگریستند. در حالیکه منطق سیاست بین‌الملل، حداقل در آنچا که مربوط به روابط غرب با دیگران می‌شود، نه لیرالی بلکه کاملاً رئالیستی است.

● پس‌برجام؛ آغاز فشار حداکثری با توجه به منطق رئالیستی مورد اشاره، در آمریکا هیچگاه بر سر برجام اختلاف بنیادینی وجود نداشته است. از منظر آنها برجام دریچه‌ای



سیاست خارجی نمی‌شود، بلکه تنوع پاسخ بایستی به حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داخل کشور نیز کشیده شود. چه اینکه مقابله با اثربخشی تحریم‌های آمریکایی که «مردم» را هدف گرفته است، بایستی ناظر به حل مشکلات مردم در سطح داخلی نیز تعريف گردد. این موضوعی است که رهبری معظم انقلاب از آن به راهبرد «قوی شدن» یاد نموده‌اند.

موج میلیونی مردمی در پاسداشت شهداء مقاومت نیز شاخص دیگری بود که نشان می‌داد؛ ناموازنه پیشین تغییر کرده است.

● جمع‌بندی؛ راهبرد قوی شدن

ایران به خوبی دریافته است که در پس از جام، دلجویی از آمریکا با پذیرش خواسته‌های ۱۲ گانه «پیمپتو» راه صحیحی نیست، چه اینکه به قول «هانس مورگتنا»؛ «مصالحه همیشه به نفع دولت بزرگتر خواهد بود.»

بلکه در مواجهه با یک هژمون تهاجمی مانند آمریکا بایستی اتکای به خود، توسعه نفوذ و بیشینه‌سازی قدرت در قالب «ناموازنه قوای» و یا آنچنان که در «واقع گرایی نوکلاسیک» تبیین می‌کند؛ «ناموازنه تهدیدی»، خود را اینم کرد.



بی‌تر دید در این راهبرد، ایران با روند سه‌گام تشریح شده در یک‌سال اخیر قواعد بازی و ناموازنه با آمریکا را دچار تحول اساسی نموده است. آنچه حائز اهمیت است اینکه ایران با عبور از دوران نگرش لیبرال، جهت‌گیری واقع‌گرایانه را در سیاست خارجی خود پی‌گرفته است تا ناموازنه پس از این راهبرد ایران کند. هرچند شهادت سردار سلیمانی در محصول این ناموازنه و خسروانی برای کشور بود، اما پاسخ موشکی، اساساً طراز قدرت ایران را دچار تحول نمود. کوشش برای تغییر ناموازنه پس از این راهبرد منحصر به

دست کم میان اضطرار ایران با اضطرار آمریکا (به‌واسطه احیای توان هسته‌ای ایران و یا ناموازنه منطقه‌ای و ...) ناموازنه‌ای وجود داشته باشد. پس از هدف قرار گرفته شدن «آرامکو» توسط مقاومت یمن، وضعیت برای آمریکا دشوارتر شد به‌ویژه این نظریه مشهور بود که میگفت؛ «همه گزینه‌ها روی میز است» بی‌اعتبار گردید. به همین سبب ایران آنچنان که «اندیشکده بروکینگز» می‌نویسد؛ «این پیام را مخابره کرد که توانایی ضربه متقابل را دارد، و طرف مقابل چیزهای زیادی برای از دست دادن دارد، پس فقط دیپلماسی از موضع برابر قابل پذیرش است.»

گام سوم؛ اراده معطوف به قدرت و تعیین قواعد بازی
بحران سازی در عراق و لبنان تلاش‌های ناشی از تلاش آمریکا برای بی‌نظمی منطقه‌ای بود. تلاشی که راهبرد فشار حداکثری را با شهادت «سردار سلیمانی» وارد مرحله جدیدی نمود. این اقدام بر اساس این ادراک صورت گرفت که؛ «ایران پس از سلیمانی، حالا دیگر مجرور به مذاکره خواهد شد» به‌ویژه اینکه آمریکا این بار تمام‌قد خود را مهیای جنگ نشان می‌داد و ایران در این صحنه دشوار چه باید می‌کرد؟

در اینجا اهمیت منطق واقع گرایی با تأکید بر «بیشینه‌سازی قدرت» خود را آشکار می‌کند. تصمیم ایران برای حمله موشکی به پایگاه «عین‌الاسد» بر همین مبنای اتخاذ شد

، تصمیمی فراتر از انتقام شهادت سردار سلیمانی. تصمیمی که نشان می‌داد ایران نه تنها اراده و ظرفیت پاسخ به دشمنی آمریکا را دارد، بلکه این ایران است که «قواعد بازی» را تعريف می‌کند.



روزهای زیادی نگذشت تا جعفر حسینی بدیل لیاقت شد معاون تیپ فاطمیون همیشه روی موتور حرفه ایمان را می زدیم. با اینحال که آن زمان معاون تیپ بود اما وقتی ماشین نیروی انتظامی از کنارمان رد شد گفت فلانی من از تیر و ترکش جنگ سوریه نمی ترسم اما از ماشین نیروی انتظامی می ترسم. او نیز علی رغم همه ترکش هایی که خورد بود هنوز مدرکی برای اقامت در ایران نداشت. او که جانش را و خانواده اش را برای ایران فدا نموده بود و هدفش امنیت برای آنانکه می گفتند نه غزه نه لبنان بود سهم اش از زندگی در ایران ترس بود. خیابان هایی که به او و امثال او به دیده یک خارجی نگاه می کردند. همواره با گراشات ضد ایرانی مقابله می کرد هر چند خود دل پردردی از این برخوردهای دشمن ساز داشت. در آخرین دیدارمان می گفت فلانی از خیلی ها دل سرد شدم، خیلی ها تلاش کردند که ذهنیت من را نسبت به ایران خراب کنند ولی به عشق آقا همه را تحمل می کنم. می گفت شما علوی هستید و ما فاطمی و ما نباید از هم جدا بشویم. بهترین خاطره زندگی اش دیدار با حاج قاسم سلیمانی بود و تحولی که بعد شهادت مرادش ابوحامد و فاتح برای فاطمیون بوجود آمد. خود مستولیت صدور برگه هویت را برای رزمندگان فاطمیون به عهده گرفت و آزویی که سالها بر دل بسیان رزمندگان بود را با دادن برگه ها برآورده کرد. دوست داشت از پتانسیل فاطمیون در ایران و من خارج از مناطق جنگی استفاده بیشتری شود.

های مهارتی و رسانه ای را به جوانان افغانستانی بدهد چندین سال پیاپی با جمع آوری کمک ها، هزینه اتوبوس خادمان اربعین افغانستانی را تامین می کرد و بزرگترین موکب خادمان افغانستانی را در مرزهای ایران می زد. نامه آقابه جوانان کشورهای غربی و اروپایی، نقطه ضعف عدم تسلط زیان برخی از نیروهای انقلابی را هویدا کرد. با موتور بدنالیم امد و گفت بیا یک کاری بکنیم. وقتی با اسایید داشتگاه ها در خصوص ضرورت سبک جدید با محتواهای تبلیغی جلسه گذاشتیم گفتند دو سال وقت به همراه چند میلیارد منابع میخواهیم، اما وقتی جعفر جایی بود قفل هاباز میشد و کارهای نشدنی، شدنی میشد. گروهی از قم، از آسمان پیدا شدند و گفتند دو سال است روی محتوا کار کرده ایم چقدر روزهای شیرینی بود جعفر حسینی سبک جدیدی از آموزش زیان با محتواهای تبلیغی را ظرف مدت کوتاهی با کمترین هزینه پایه گذاری کرد، سبکی در آن افراد با محوریت تبلیغ انقلاب و مهدویت آموزش زیان بیینند. اما شب قدر جعفر حسینی زمانه دیگری بود. روزی در مسجد حاج آقای خوشوت سوالی از من پرسید که من در جوابش سخت ماندم. گفت از طرفی همه کارهایش برای استعمال و زندگی در یک کشور اروپایی همانگ شده و از طرف دیگر با درخواستش برای رفتن به سوریه موقفت شده. دختر نازنین اش هم به دنیا آمده بود چند روزی گذشت پرسیدم جعفر چه می کنی؟ گفت خیلی فکر کردم دیدم اگر روزی برسد که من یک هفته مراسم حاج منصور نتوانم برrom نمی توانم زنده بیام. من متعلق به این جبهه هستم، نمی خواهم در جبهه دیگری ولا برای یک زندگی معمولی برrom. گفت تصمیم گرفتم نمیشود حضرت زینب برای آدم دعوتname بفرستد و بعد من به اروپا برrom. تصمیم خیلی سختی بود. تصمیمی که جعفر را در زمرة ابرار قرار داد.

روایتی از فرمانده شهید محمد جعفر حسینی (ابو زینب)

خانواده اش برای زیارت امام رضا به مشهد رفته بودند ولی در بین راه بازداشت شده بودند. پدر جعفر سالها برای ایران و نظام جمهوری اسلامی جنگیده بود و با ترک زادگاه خود وطن عقیدتی اش را برای بزرگ شدن بچه ها انتخاب کرده بود. اما از دید دستگاه های عربی و طویل کشور کسی که جانش جان خمینی و جانش ایران است به این خاک تعلق نداشت. از دید انها فرزندان دو تابعیتی زن های خوب به ایران تعلق داشتند ولی کسانی که جانشان را برای ایران فدا نموده اند نه ... به هر طریقی بود پدرش آزاد شد ولی قید مشهد رفتن را زدند و به تهران برگشته. خیلی برایم تلح بود. هر طور بود برای تشكیر خودش را به من رساند جوانی برومند و متشخص رو به رویم بود که فهمیدم استاد زبان انگلیسی است. به شخصه و با افتخار میگوییم من عاشق برادران افغانستانی هستم ولی شخصیت جعفر حسینی بگونه ای بود که هر آدم غیرغمضی را به تحسین و می داشت. طمانته و هوش وافر در فهم مسائل او را کم کم به یکی از دوستان صمیمی ام تبدیل کرد.

بدلیل توان مدیریتی بسرعت فعالیت های فرهنگی و تربیتی عمیقی را پایه گذاری کرد با کمک حاج حسین یکتا و حمایت بنیاد کرامت رضوی با تحت پوشش قرار دادن دویست نفر از نخبگان نوجوان افغانستانی بدنیال کادرسازی برای نیروهای انقلابی آینده افغانستان بود. مجموعه فرهنگی طلوع نخبگان افغانستان را پایه گذاری کرد تا آموزش

قرآن کریم در آیات متعددی به یادآوری ایام الله در دوران هر پیامبری می‌پردازد؛ و این یادآوری‌ها آنقدر زیاد است که گویی تعمده‌شمندانه و اصرار حکیمانه برای بازگویی آن وجود دارد برای مثال، در آیاتی که مربوط به داستان جنگ بدر در سوره مبارکه انفال آمده است، اشاره به عنایات خاص خداوند در جنگ بدر دارد که سپاه ۳۱۳ فقره اسلام در برابر سپاه هزار نفره دشمن با قاطعیت پیروز شد.^(۱)

همچینین یکی از مواردی که خداوند قرآن کریم اصرار به یادآوری آنها دارد، شکست های عملکردی و گفتمانی منافقان است. در یک آیه سخن منافقان و بی‌مادران در جنگ بدر یادآوری می‌شود: «انفال: ۴۶» و در آیات دیگری، سخنان و کارشناسی‌های آنان در جنگ احزاب: «الحزاب: ۱۲-۱۳»، این یادآوری‌ها، علاوه بر کمک به تبیین پیتر گفتمان اسلام انقلابی، فواید متعددی دیگری هم برای عموم مردم جامعه اسلامی و هم برای خواص جامعه در پی دارد که به مبارزه با جریان تفاصیل کمک شایانی خواهد کرد؛ اولین فایده یادآوری ایام الله، افزایش وحدت در میان مردم است. بر اساس نظر مفسران قرآن، فایده دیگر یادآوری ایام الله، افزایش اعتماد مردم به وعده‌های الهی، افزایش روحیه اعتماد به نفس و امید به آینده و افزایش روحیه مردم برای مقاومت در برابر سختی‌ها و در برابر دشمنان داخلی و خارجی است. همچنین علاوه بر ذلت دشمنان خارجی؛ رسوای منافقین و فتنه‌گران داخلی نیز باید دائمًا بازگو و یادآوری شود؛ چراکه منافقین و کفار همواره از این تذکر و یادآوری واهمه دارند و از آن فرار می‌کنند:

«فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُغْرِبِينَ * كَانُهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَفْرِغَةٌ * فَرَّتْ مِنْ قَسْوَةٍ؛ جَرَأْتَهَا إِنَّهَا إِنْ هُمْ إِذْ يَادَوْرِي گَرِيزَانِدَ، هَمَچُونْ گُورْخَانِی رَمِيدَهَ کَهَ از شیر فَرَارَ کَرْدَهَانِد!»^(۲)

یادآوری ایام الله، آنتی تز جریان‌های شیطانی

چرا ایام الله همچون تشییع شهید سلیمانی را باید دائمًا برای مردم یادآوری نمود؟

وَلَقَدْ أَرَسَلْنَا مُوسَىٰ بِإِيمَانٍ أَخْرِجَ فَوَمَكَ مِنَ الظُّلْمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَرَهُمْ بِإِيمَانِ اللَّهِ إِنْ فِي ذَلِكَ آياتٌ لِكُلِّ صَبَارٍ شَكُورٍ»^(۳) (پارهه: ۱۷)

خداؤند متعال در این آیه شریفه خطاب به جناب موسی (ع) می‌کند: «ایام الله» را برای قومت یادآوری نما.

علامه طباطبائی می‌گوید: منظور از «ایام الله»، ایامی است که بخاطر حوادث خاصی که در آن اتفاق افتاده، امر خداوند و آیات و نشانه‌های بزرگی و اقتدار و سلطنت خداوند ظاهر و آشکار گردیده.^(۴) (کمال‌البيانات: ۱۲، من: ۱۸)

ضرورت یادآوری ایام الله به مفهوم شناسی آن بازمی‌گردد زیرا منظور از «ایام الله» روزهای خاصی است که در آن روزها دست قدرت و عزت الهی در جامعه ظهر و بروز بیشتری داشته و همگان به عینه می‌بینند و لمس کرند که اتفاقی (چه نزول نعمت و یانزوا عذاب) خارج از اسباب و عمل مادی افتاده است. اصولاً باید گفت یکی از روش‌های تربیتی قرآن کریم، «تذکر» و «یادآوری» است؛ و این روش، دقیقاً نقطه مقابل روش شیطان و جریان‌های شیطانی، همچون جریان نفاق است که یکی از کار ویژه هایشان را «انسان» (فراموشاندن) تعریف کرده است.^(۵) (مجدالله: ۱۹۶، امامه: ۶۸، بوسفه: ۲۲، کهف: ۵۳)

قرآن کریم در آیات متعددی به یادآوری ایام الله در دوران هر پیامبری می‌پردازد؛ و این یادآوری‌ها آنقدر زیاد است که گویی تعمده‌شمندانه و اصرار حکیمانه برای بازگویی آن وجود دارد.



دکتر علیرضا معاف
لستاد دانشگاه امیرکبیر اسبق وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی



تحلیل قرآنی - روایی نکات مهم خطبه‌های رهبر معظم انقلاب

اهم رویدادهای ادوار ده گانه مجلس

- حل و فصل دوگانگی آزادی یا محاکمه گروگان‌های واقعه تسخیر لانه جاسوسی
- انتخاب نخست وزیر در دوران بنی صدر
- رأی به عدم کفایت سیاسی بنی صدر

مجلس

- معرفی میرحسین موسوی به عنوان نخست وزیری به مجلس و رأی نمایندگان
- فصل الخطاب و رفع اختلافات مجلس و شورای نگهبان با تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام

مجلس

- اختصاص بودجه برای بازسازی مناطق جنگ‌زده و محرومیت‌زدایی
- قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین
- قانون تشدید مقابله با اقدامات تروریستی آمریکا
- قانون قطع روابط سیاسی و دیپلماتیک با دولت انگلستان، به دلیل حمایت این دولت از سلمان رشدی، نویسنده کتاب آیات شیطانی
- استعفای جنجالی یک نماینده و پذیرش بدون مخالف آن در صحن علنی

مجلس

- تصویب قانون منوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره
- تصویب قانون منوعیت تصدی بیش از یک شغل دولتی
- تأمین مسکن ارزان قیمت برای محرومین سراسر کشور

مجلس



مرتضی دادوندی
پژوهشگر سیاست داخلی

تاریخ ۴۱ ساله جمهوری اسلامی ایران همواره دست خوش اتفاقاتی بوده که گاهی مسیر آن را در جهت پیشبرد اهدافش گاه سرعت بخشیده و گاه کند کرده است. در این بین مجلس شورای اسلامی در تمام این فراز و فرود ها این اتفاقات را با لواح و اقدامات مختلفی هم چون: لواح دولکلو، آبستراکسیون ها، بر جام بیست دقیقه ای، FATF ها و همراهی می کرده است. حال قصد داریم در دهه پنجم انقلاب به اهم رویدادهای این ده دوره و آن چه که بر ما گذشته است پیردازیم.

- تصویب حقوق مادام العمر نمایندگان مجلس و لغو آن در پی فشارها و انتقادات رسانه‌ای
- تصویب طرح وقف اموال دانشگاه آزاد
- قانون هدفمندی یارانه‌ها و ضعف نظارتی مجلس در این زمینه
- تصویب طرح نظارت مجلس بر نمایندگان پس از ماه‌ها سرگردانی از طریق فشار رسانه‌ها و افکار عمومی
- طرح سوال از رئیس جمهور وقت ذیل محورهای مختلف برای اولین بار طی ادوار مختلف مجلس
- یکشنبه سیاه مجلس در پی استیضاح وزیر تعوّن، کار و رفاه اجتماعی
- شکایت مجلس از احمدی نژاد قبل از پایان رسمی دولت او
- طرح ممنوعیت جلوگیری از بارداری
- «نه» نمایندگان ملت به طرحی برای بریدن دست سوداگران مسکن
- تصویب برجام در ۲۰ دقیقه
- تصویب مجلس برای تعیین سقف حقوق مدیران در پس افشاءی فیش‌های حقوقی برخی از آن‌ها
- لوایح ۴ قلوی مربوط به FATF
- طرح‌های مربوط به دوتابعیت‌ها و رد شدن آن در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس
- تصویب لایحه الحق ایران به کوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم (CFT)
- طرح شفافیت آرا نمایندگان و کش و قوس‌های فراوان حول آن

مجلس

مجلس

مجلس



- استیضاح وزیر کشور، عبدالله نوری، به دلیل عزل و نصب‌های گسترده و جناحی؛ و عدم رای اعتماد به ای
- قتل‌های زنجیره‌ای و استفاده از نجف‌آبادی از مقام وزارت اطلاعات
- استیضاح عطاءالله مهاجرانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت
- تصویب کلیات اصلاح قانون مطبوعات و موکول شدن جزئیات طرح به مجلس ششم
- فتنه ۱۸ تیر ۷۸ و حادثه کوی دانشگاه تهران در پی اصلاح قانون مطبوعات

- طرحی جدید در اصلاح قانون مطبوعات و آبستراکسیون نافرجم بیست دقیقه‌ای مجلس
- طرح لوایح دوقلو در راستای حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان
- پیگیری طرح رفراندوم و خروج از حاکمیت از سوی دوم خدادی‌ها با آغاز استفاده ۵۰ نماینده مجلس
- ارتباط جریان نفوذ مجلس ششم با آمریکا و افشاء اطلاعات هسته‌ای
- تحصین و استفاده ۱۲۵ نماینده در پی ناکام ماندن تلاش آن‌ها برای حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان

- رأی به حقوقدانی که در مجلس ششم رأی نگرفتند
- طرح تثبیت قیمت‌ها و توقف روند افزایش قیمت اقلام یارانه‌ای
- سه‌میه‌بندی بنزین

مجلس

مجلس

مجلس

می‌کند! ادبیات همان مری سختکوشی است که عرق شما را خشک می‌کند و شما را به داخل رینگ می‌فرستد!

پس هر زمان دیگری که کسی از شما پرسید چرا کتاب می‌خوانی؟ بگویید چون از بزرگ شدن روحمن ابایی ندارم. چون من انسان حیرصی هستم و می‌خواهم به جای هزار نفر زندگی کنم.

گاهی کتاب‌ها زیر تابلوها چیده شده، اما گاهی همه جا پخش و پلا بودند. وقتی که آدم‌ها را بهتر شناختم، متوجه شدم این بی‌نظمی باورنکردنی یکی از چیزهایی بود که درمورد کتابفروشی پمپروک دوست داشتند. آن جا نمی‌آمدند که فقط کتاب بخرند، پولشان را بریزند تا صندوق، و شرشان را کم کنند. همه جا سرک می‌کشیدند. به این کارشان می‌گفتند تورق، اما بیشتر شبیه حفاری یا استخراج معدن بود. تعجب می‌کردم که با بیل به مغازه نمی‌آیند. با دست خالی دنبال گنج می‌گشتند.

نگارنظری

● من ازدواج نمی‌کنم
معرفی اولین کتاب را به یک داستان مsstند و جذاب اختصاص دادیم. البته شاید بتوان گفت که این کتاب یک مجموعه‌ی داستان کوتاه با زبانی زیبا و جذاب می‌باشد که به بیان موضوعات مختلف خانوادگی و تاثیرات اجتماعی آن می‌پردازد.

داستان‌ها و شخصیت‌های این کتاب زیاده تخیل نویسنده است و از لحاظ زمانی به دوران صدر اسلام باز می‌گردد ولی انچه که کتاب را متمایز می‌کند بهره‌گیری از روایات و احادیثی

چرا کتاب بخوانیم؟

چرا باید کتاب بخوانیم و اهمیت مطالعه و کتاب خواندن در چیست؟

این سوالی است که افراد زیادی از من می‌پرسند و منتظر یک جواب خیلی حکیمانه‌اند چون ناسلامتی من فرد کتاب‌خوانی هستم و باید ادبیات حرف زدنم با سایر افراد تفاوت داشته باشد و جواب‌های حکیمانه‌ای برای همه چیز داشته باشم!

اما واقیت چیز دیگری است:

من کتاب نمی‌خوانم که حرف زدنم یا جواب هایم با بقیه تفاوت داشته باشد، من کتاب می‌خوانم که زندگی ام و دریافت از زندگی با بقیه تفاوت داشته باشد.

روش مطالعه من هم مثل مطالعه کنکور نیست. من نمی‌خواهم همه‌چیز را حفظ کنم و طبق آن حفظیات سنجیده شوم. من می‌خواهم بهفهم و یاد بگیرم، این تفاوت زیادی با خواندن طوطی‌وار حفظ کردن دارد! زمانی که شما مطالعه می‌کنید و دیگران شما را به عنوان فردی کتاب‌خوان می‌شناسند مهم این نیست که شما ادبی و حکیمانه حرف می‌زنید یا نه، مهم این است که شما به نسبت بقیه دریافت بیشتری از زندگی و همه مسایل مربوط به زندگی پیدا می‌کنید.

ما اینجا یم که زندگی کنیم. اما چطور می‌توان بهتر زندگی کرد؟ مثل تمام چیزهای دیگر با تمرين!

کتاب خوب همان تمرينی است که ما را برای غلبه بر این زندگی غیرقابل پیش‌بینی کار کشته



گاهی کتاب‌ها زیر تابلوها چیده شده، اما گاهی همه جا پخش و پلا بودند. وقتی که آدم‌ها را بهتر شناختم، متوجه شدم این بی‌نظمی باورنکردنی یکی از چیزهایی بود که درمورد کتابفروشی پمپروک دوست داشتند. آن جا نمی‌آمدند که فقط کتاب بخرند، پولشان را بریزند تا صندوق، و شرشان را کم کنند. همه جا سرک می‌کشیدند. به این کارشان می‌گفتند تورق، اما بیشتر شبیه حفاری یا استخراج معدن بود. تعجب می‌کردم که با بیل به مغازه نمی‌آیند. با دست خالی دنبال گنج می‌گشتند.

اگر کوک چهارم را نزند هیچ خلافی نکرده. اما اگر بزند به انسانیت تعظیم کرده. اگر کوک چهارم را نزند روی خط توافق و قانون رفته اما اگر بزند صدای لبیک او، آسمان اخلاق را پر خواهد کرد. دنیا پر از فرسته‌های کوک چهارم است! دیگر شاید زمان آن رسیده بگوییم؛ تا چهار نشے بازی نشه!

من و تو کفاس‌های دو دلی هستیم که باید سر فرسته‌های چهارم بحث کنیم و کوک بزنیم...



● "ملت عشق"
اثرalfif شافاک
به انتخاب: امیردهقان

هر انسان به کتابی مبین می‌ماند در جوهره اش؛ منتظر خوانده شدن. هر کدام از ما در اصل کتابی هستیم که راه می‌رود و نفس می‌کشد. کافی است جوهره مان را بشناسیم. فاحشه باشی یا باکره؛ افتاده باشی یا عاصی، فرقی نمی‌کند؛ آرزوی یافتن خدا در قلب همه‌ی ما، در اعماق وجودمان پنهان است. از لحظه‌ای که به دنیا می‌آییم، گوهر عشق را درونمان حمل می‌کنیم. آن جا می‌ماند به انتظارِ کشف شدن.

● کوک چهارم

کسی کفشش را برای تعمیر نزد کفاس می‌برد. کفاس با نگاهی می‌گوید این کفش سه کوک می‌خواهد و هر کوک مثلاً ده تومان و خرج کفش می‌شود سی تومان. مشتری هم قبول می‌کند. پول را می‌دهد و می‌رود تا ساعتی دیگر برگرد و کفشش را تحويل بگیرد. کفاس دست به کار می‌شود.

کوک اول، کوک دوم و در نهایت کوک سوم و تمام، اما با یک نگاه عمیق در میابد اگر چه کار تمام است ولی یک کوک دیگر اگر بزند عمر کفش بیشتر می‌شود و کفش، کفش تر خواهد شد!

از یک سو قرار مالی را گذاشته و نمی‌شود طلب اضافه کند و از سوی دیگر دو دل است که کوک چهارم را بزند یا نزد او میان نفع و اخلاق، میان دل و قاعده توافق، مانده است. یک دوراهی ساده که هیچ کدام خلاف عقل نیست.



● "ازداد"
اثر وحید یامین پور
به انتخاب: صادق ذجاجی

بلا را ما انتخاب نمی‌کنیم. بلا غالباً خودش سرزده می‌آید و ماهیجه‌های کرخت و خواب‌آلود تاریخ را به تحرک و امی دارد. بلا می‌آید تا تاریخ زخم بستر نگیرد. دقیقاً لحظه‌ای که همگان در شهری پریچ و خشم و خاموش گم و گور شده‌اند و بی مقصد به دیوارهای بلند روزمرگی می‌خونند، فتنه‌ای جرقه می‌زند و «وقت» و «هنگامه‌ای تجلی می‌کند تا چشم‌ها برای لحظاتی مبدأ و مقصد را بینند و راه را از سر بگیرند.

فتنه ترفند خداوند است برای ورق زدن تاریخ، برای زیورو و کردن همه چیز، از ارباب و رعیت، ظالم و مظلوم، گمراه و هدایت‌شده، دارا و ندار، غمگین و سرخوش، نگران و امیدوار پس تاریخ خیلی هم تبلیل نیست. پدیده‌ها سریع تر از تصور مارخ می‌دهند...

بنابراین رساندن این کتاب به دست این گروه سنی و حتی کسانی که کم‌کم دارند به ازدواج فکر می‌کنند حتماً کار ارزشمندی خواهد بود.

است که در زمینه‌ی ازدواج و مسائل مرتبط با آن از رسول اکرم صل الله علیه و آله و دیگر معصومین نقل شده است.

● احادیثی که با ظرافت و بسیار هنرمندانه در متن داستان‌ها گنجانده شده است.

وقتی حدیث یا روایتی را می‌خوانیم، شاید به طور کامل ندانیم که این حدیث به چه علت و در چه جمعی بیان شده است. تاریخ نام تمام کسانی را که در محضر معصومین، چنین روایات را شنیده‌اند، نقل نکرده است. همچنین همه‌ی ماجراهایی که باعث نقل آن شده‌اند، نیز کاملاً بر ما روشن و آشکار نیست و شاید ضرورتی هم برای بیان آن ها نبوده است. اما نویسنده از این خلاصه‌ای برای خلق داستان‌های این کتاب یاری گرفته است.



● "برادران سیسترز"
اثر پاتریک دوویت
به انتخاب: فریبا غلامی

● بخشی از کتاب
فکر کنم ارزش طلاها سر به پانزده هزار دلار میزد، سهم من بیشتر از سه برابر پس اندازم بود و وقتی که از زیرزین نمور بیرون آمدیم و پله‌ها را بالا رفیم و وارد نور شدیم دو حس همزمان به من دست داد: شادی یافتن چنین ثروتی و یک جور حس تنه‌ی بودن، این که چرا بیشتر خوشحال نیستیم؟ یا شاید ترس از اینکه خوشحالی ام زور کی یا اشتباه است.

● "من ازدواج نمی‌کنم" ۱۱۰ صفحه دارد که با توجه به صفحه‌بندی دلسوز و دوست داشتنی آن، خواندنش خیلی زمان نمی‌برد. این کتاب برخلاف اسمش فقط به درد آنها می‌کند که نمی‌خواهد ازدواج کنند، نمی‌خورد. بلکه هر جوان دم بختی از خواندنش لذت و از احادیث منفعت خواهد برد.

کند؛ در برخی از صحنه‌های فیلم دوربین از نگاه منافقین شاهد مناظر حساس و دراماتیک است و ناخوداگاه مخاطب با این گروهک سفاک ارتباط برقرار کرده و متاسفانه برخی از اعمال سفاکانه آنها توجیه می‌شود. قسمتی از فیلم به صحنه‌هایی از عملیات غرورآفرین و پیچیده مرصاد اختصاص دارد که فیلم اصلاً نتوانسته از عهد نمایش درست آن برآید. اساساً سناریو فیلم با ایرادات فراوانی همراه است، از درام نصف و نیمه ای که نمی‌تواند کشش لازم را برای مخاطب ایجاد کند تا برخوردهای غیرمنطقی کاراکترها با وقایع که ناشی از عدم شخصیت پردازی درست است و تصویر کاریکاتورمباره ای که از یک سازمان ترویجیستی بی رحم نشان می‌دهد و خرده داستان‌هایی که به هیچ وجه کارکرد نداند و درست پرورش نمی‌یابند. از باری فاخر جواد عزتی و هادی حجازی فر در این فیلم نمی‌توان گذشت و باید یادآور شویم که انتخاب بهنوش طباطبایی و هستی مهدوی در نقش سمپادهای زن سازمان ناشیانه بوده و به سناریو برای تیپ نشدن این دو کاراکتر کمک کرده است. شک و تردیدی که در طول فیلم با مهدویان همراه است در پایان بندی به اوج خود می‌رسد، شخصیت پردازی ضعیف در طول فیلم باعث شده تا هر تضمیمی از جانب کاراکترها در فینال برای بیننده غیرقابل باور باشد، و نکته نالمید کننده اینجاست که شما بعنوان بیننده در فینال با سمپاد پشمیمان نشده سازمان همراهی میکنید و نه با نیروهای خودی.

با تمام این تفاسیر به نظر نگارنده، مهدویان در تولید یک درام داستانی یک گام رو به جلو برداشته و نوید یک فیلمساز دغدغه مند و کاریلد را به سینمای خسته ایران می‌دهد. از طرفی دیگر ساخت آثاری اینچنین اتفاق خوش یمنی برای سینمای ایران محسوب می‌شود چراکه نسل جوان امروز اطلاع چندانی از تاریخ پر ماجرا



دانستان «رد خون» هفت سال پس از ماجراهای فیلم قبلی اتفاق می‌افتد که در سال ۱۳۶۰ و با کشته شدن موسی خیابانی به پایان رسید. حال هفت سال گذشته و پایان جنگ ایران و عراق نزدیک است. فیلم قصد دارد در خلال یک داستان مlodراماتیک وقایع و حوادث عملیات مرصاد و برخی اتفاقات موجود در قرارگاه اشرف را به تصویر بکشد. در اولین برخورد با فیلم تعادل نسبی دوربین مهدویان نسبت به کارهای پیشین او به چشم می‌آید که موجب به تصویر درامن قاب هایی زیبا از دهه شصت است. دیگر خبری از قاب های دزدکی و پشت شیشه نیست و بیشتر با ناماها و قاب‌های سینمایی طرف هستیم. دوربین مهدویان ترکیبی از یک سینمای مستند و داستانی است که سعی کرده در این اثر از فرم گزارشی فاصله گرفته و به بار دراماتیک داستان توجه بیشتری نشان دهد. فیلم از منظر فنی یکی از شایسته ترین آثار سینمای ایران محسوب می‌شود که توانسته طراحی صحنه میدانی خوبی داشته باشد و در اجرانیز به بهترین شکل ممکن عمل کند. دوربین مهدویان در این فیلم برخلاف فیلم قبلی که فقط میان بچه‌های سپاه حضور داشت بین منافقین در پادگان اشرف رفته و از منظر آنها برخی وقایع و شرایط پادگان و عملیات فروع جاویدان را روایت می‌کند و اتفاق همینجا سرآغاز تقدھای جدی اهالی سینما و فرهنگ و تاریخ است. حقیقتاً مهدویان نتوانسته تکلیف خود را با جریان سمپاد غافل منافقین در فیلم روشن



بلغاتکلیفی مهدویان با جریان سمپاد غافل منافقین



ابوالفضل نژادر مضان
منتقدسینما

مخاطب می‌فهماند که قرار است با چه برنامه و محتوایی روپرتو شود و او را جذب خود می‌کند، میهمان برنامه را هم به دل تاریخ می‌برد. به اذعان بسیاری از میهمانان سرچشمه در برنامه، دکور تاریخی این آنها را در بطن حوادث روزهای گذشته برده و ذهن کارشناس برنامه را به روی بسیاری از حقایق تاریخی که فراموش کرده بوده هم باز می‌کند.

توصیفات بالا همکی المان‌هایی بود که به حق برای سرحال نشان دادن یک برنامه تلویزیونی کافی است اما از نظر نگارنده مزیت اصلی سرچشمه نسبت به ماقبی برنامه‌های تاریخی و محتوایی که فرم گفتگو محور را برای ژانر خود انتخاب می‌کنند، تیم بکدست، چهاردهی و البته تحصیل کرده و محتوایی برنامه است که موجب شده این برنامه در زمرة پهترین تولیدات تاریخی تلویزیون در سالهای اخیر قرار گیرد.

لازم بذکر است "سرچشمه" به تهیه کنندگی امیرعلی آزادی و کارگردانی صادق شهربانوی و احمد موسویان و با اجرای محمد امین فرج الهی هر هفته شنبه شب ساعت ۱۹ از شبکه پنج سیما پخش می‌گردد.



خوش فرم در ژانر تاریخی - سیاسی می‌نماید، برنامه‌ای که البته با کمک بسیج صدا و سیما تولید شده و هر شنبه ساعت ۱۷ روی آتن شیشه پنج می‌رود.

سازندگان این برنامه تلاش کرده اند علاوه بر آنکه سراغ موضوعات تازه بروند، افراد دست اول را هم در موضوعات مختلف جلوی دوربین بیاورند. متاسفانه یکی از آفتهایی که در این چند سال به وضوح به چشم می‌خورد، بی توجهی مسئولان و برنامه‌سازان به روایت‌های دست اول تاریخی است. ولی چشم‌انداز سرچشمه آن است که به سراغ صحیح‌ترین و مستندترین روایت از هر موضوع تاریخی برود به همین دلیل در بسیاری از موارد نامهای جدید و غیرکلیشه‌ای را جلوی دوربین این برنامه ناظریم.

تیم محتوایی در "سرچشمه" بسراغ آرشیو رفته و فیلم‌های تاریخ انقلاب که سالها خاک خورده اند را از آرشیو بیرون کشیده است. تاریخ‌نگاران برای تولید آثار محتوایی ارزشمند و غنی به داده های اطلاعاتی دقیق نیاز دارند که طبعاً بخشی از آن به صورت آرشیو نگهداری می‌شود که با رفنس دادن به آنها می‌توان مسیر اثر محتوایی را به مطلوب سوق داد. این واقعیت وجود دارد که هر کس اولین بار آرشیوی را منتشر کند روایتی که او همراه با آن آرشیو منتشر می‌کند همواره در تاریخ باقی خواهد ماند. سرچشمه نیز این واقعیت را نادیده نگرفته است و سعی کرده است با دست‌گذاشتن بر آرشیوها دیده نشده و یا کمتر دیده شده روایت صحیح از بسیاری از وقایع را که تا پیش از این به هر دلیل محقق نشده بود را منتشر کند.

یکی دیگر از مزایا سرچشمه دکور جذاب آن است. دکور تاریخی با انبوهای از المان‌های نوستالژیک علاوه بر اینکه در نگاه اول به

مُدْرَسَة

● سیری در تاریخ معاصر از لنز "سرچشمه" امروز که چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی و حوادث آن روزهای گذشته، صحبت در مورد تاریخ معاصر امری واضح و کاملاً خrrorی است. نسل امروز که روزهای پیروزی انقلاب و بعد از آن را مشاهده نکرده و درکی درستی از تاریخ معاصر ندارد، مورد هجوم دریایی از اطلاعات غلط و تحریف شده تاریخی از سمت دشمنان و معاندین جریان انقلابی است. در نگاه دشمنان این تحلیل وجود دارد که تغییر نسل منجر به پاک شدن حافظه تاریخی یک ملت می‌شود و با روایتسازی و جعل و تحریف تاریخ می‌توان از بازتولید یک نسل انقلابی جلوگیری کرد. متاسفانه جریان‌های ضد انقلاب به دلیل کج سلیقگی‌ها و سیاست‌ها و نگاه‌ها بعضاً غلط مدیران و دست‌اندرکاران این عرصه، در سیاست‌های خود توفیقاتی را نیز به دست‌آورده‌اند تا جایی که رهبر انقلاب در شهریور ۹۶ ابراز نگرانی کرده و با اشاره به اهمیت آشنازی نسل جوان با رخدادهای تاریخی، نگرانی خود را از فراموشی "حوادث مهم" و "عتبرهای بزرگ دوران معاصر" و ضعیف شدن "حافظه‌ی تاریخی" ملت ابراز داشته‌اند. در این وانفسای رسانه‌ای و وادادگی صدا و سیما مقابل برنامه‌ها و شوهای تلویزیونی که افتخاراتشان شباخت بیش از حدشان به مدللهای غریبی است، برنامه‌هایی که حتی سعی در ایرانیزه شدن‌شان هم نشده و صرف مجری و مخاطبین فارسی صحبت می‌کنند، تیمی جوان و کاربد قد علم می‌کند و همت به ساخت برنامه‌ای محتوایی و البته

دهه شصت نداشت و اینگونه آثار کمک شایانی به درک موضوعات تاریخی خواهد کرد. البته برخی از دوستان یا را از نگاه نقادانه فراتر گذاشت و در نگاشته هایشان تیر خلاص را به مهدویان زده اند؛ یادمان نرفته در دوره ای که جریان ایدئولوژیک روش‌نگری موجود در سینما با تفکرات غرب زده اتوبیایی خود را آمریکا و کشورهای اروپایی قرار داده و تمام توان خود را برای القای آن به کار گرفته بود، در جشنواره‌های خارجی حضور می‌یافت و با فحاشی به شهادی کشورش به مام وطن ادای دین می‌کرد؛ دم از آزادی و برادری می‌زد ولی هر نظر مخالف را سرکوب میکرد تا جایی که حتی هنریشه فیلم‌های انقلابی را بایکوت می‌کند و صندلی از از پایش می‌کشد. همان ایدئولوژی ای که بعد از این همه دشمنی صریح و روشن، ترور داشمندان و نخبگان جوان ما در خیابان، هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد و نمی‌خواهد واقعیت در سینمای ما بروز و ظهرور پیدا کند و بالعکس تلاش می‌کند تصویری که غرب می‌خواهد از ایران ارائه دهد، در فیلم هایشان منعکس شود؛ در همان دوره است که مهدویان بخلاف جریان کثیف و سیاه سینمای ایران طی طریق می‌کند و "ایستاده در غبار" و "ماجرای نیمروز" را به سینمای ایران هدیه می‌دهد.

از دوستان مکتبی خود گله مندم که چگونه چوب نقدشان را با بی انصافی بر سر کارگردان که نه بر سر فیلم می‌کویند، حال آنکه ما نیز معتقدیم فیلم چه از نظر فرم و چه از نظر محتوا قابل نقد است ولی این فیلم است که نقد می‌شود و نه کارگردان و نقد محتوایی به دلیل اشکالات فرمی به رذخون وارد است و نمهدویان.



به بهانه‌ی انتشار یک خبر از دختر مسلمانی که در آستانه‌ی سال نو میلادی، در یکی از شهرهای آلمان، با یکسری کارت و شکلات به سراغ مسیحی‌ها رفته بود، تا عید را به آنها تبریک بگوید، پژوهشی روایی به خاطر نگارنده رسید در خصوص روش ائمه‌ی علیهم السلام در تبلیغ و گسترش معارف دین

حضرت عیسی^(۴) هست راه‌همارا تبریک کریسمس و سال نو نوشت (۵) و امروز همارا با یه سری شکلات‌ین آلمانی‌ها پخش کرد! اجالبه که وقتی منو با حاجات اسلامی میدیدن که دارم بهشون هدیه‌ی کریسمس میدم تعجب می‌کرند و می‌گفتند واقعاً این هدیه برای ما است؟ خدا را شکر، آدمائی که امروز باهشون برخورد داشتم خیلی خوش برخورد و مهربون بودن»

● روش ائمه‌ی در تبلیغ و گسترش معارف دین روش تبلیغ ائمه‌ی علیهم السلام در اشاعه محسن کلام، صرف تبلیغ ساده‌ی عمومی نیست. بلکه اصرار بر نوعی شبکه سازی برای نجات بشر از باطلی است که خود نیز می‌فهمد دست و پای او را گرفته است. این شبکه سازی (نه برای تبلیغ تشیع، ولی از شیعیان) که حداقل حساسیت زایی را نیز دارد، رکنی در پیگیری تشیع نسبت به اهداف خویش از جمله زنده و رسمی نگاه داشتن این مکتب و مبارزه با جباران و طاغوت هاست. طبعاً تبلیغ تشیع نیز (در سطح همان شبکه سازی) در صورت نبود این آفات، مطلوب است:



هر وقت سخن از «تبلیغ اسلام» به میان می‌آید، با تندروی‌ها و کندروی‌های مختلفی -چه از ناجیه‌ی حوزیان و چه از ناحیه‌ی غیر- مواجه می‌شویم که این خود نشانگر عدم وجود یک فرایند جامع و همه‌جانبه نگر در این مورد حساس است. در اینجا چیزی که بیشتر از همه نمود پیدا می‌کند، خطرهایی است که به علت تبلیغ ناقص، متوجه جامعه‌ی جهانی و امت اسلام می‌گردد. مبنای این مشکل میتواند عدم تدقیق در سیره‌ی مبارک نبوی برای یافتن هدف و روشهای تبلیغ باشد. به نظر نکته‌ی حائز اهمیت در اینجا این است که هدف در امر تبلیغ مسلمان کردن و یا شیعه کردن افراد غیر مسلمان نیست، بلکه ایجاد ساز و کاری است برای نجات بشر مستضعف از یوغ ظلم و تزویر در همین رابطه و به بهانه‌ی انتشار یک خبر از دختر مسلمانی که در آستانه‌ی سال نو میلادی، در یکی از شهرهای آلمان، با یکسری کارت و شکلات به سراغ مسیحی‌ها رفته بود، تا عید را به آنها تبریک بگوید (که کار ناآوانه و جذابی هم انجام داده است)، پژوهشی روایی به خاطر نگارنده رسید در خصوص روش ائمه‌ی علیهم السلام در تبلیغ و گسترش معارف دین نوشتۀی حجت الاسلام خلیلی که در ادامه تقدیم می‌گردد.

● نوشتۀی دختر آلمانی در صفحه‌ی توییترش: «به عنوان یک دختر مسلمان تویی یک کشور اروپائی، برای اینکه نشون بدم ما مسلمونا عاشق حضرت عیسی علیه السلام هستیم، یه سری کارت خریدم (داخلش آیه‌ی قرآن که درباره تولد



محمد عباسیان
پژوهشگر حوزه‌یین الملل

هدف تبلیغ : ایجاد ساز و کاری برای نجات بشر مستضعف از یوغ ظلم و تزویر

بعض شد.
از این حالتها در محیط دانشگاهها بیشتر برقرار بود. گاهی وقت‌ها پیش می‌آمد که بعد از بحث و گفت‌وگو قانع شدند که یک خالق وجود دارد، چون عده‌ای از آن‌ها به وجود خالق یکتا اعتقاد ندارند. چند باری هم طی گفت‌وگوهای اسلام جذب شدند. حتی شهادتین را برایشان می‌گفته و آن‌ها تکرار می‌کردند و مسلمان می‌شدند و از این کار شوق و اشتیاق زیادی داشتند.

یک بار در یکی از شهرهای چین بودم و به یکی از این عبادتگاه‌های مسلمانان رفتم. یک نفر جلو آمد و از من پرسید که اهل کجا هستم وقتی گفتم اهل ایران هستم این مسلمان چینی ماندگار مانده است.

ایشان در بخشی از مصاحبه اش با خبرگزاری تسنیم به بیان خاطراتش در چین می‌پردازد:
تابه حال در شش سفر تبلیغی که به چین سفر کرده‌ام، در سه سفر با لباس کامل روحانیت حاضر شدم، اما باقی سفرها گاهی این لباس را فقط داخل مسجد می‌پوشیدم. این طور نبود که من همیشه لباس روحانیت را پوشم. اما در بعضی موقیت‌ها مثلاً دانشگاه، وقتی متوجه می‌شوند که شما مبلغ دین هستید می‌آیند و از شما سوال می‌پرسند. بارها در جلسات اتفاق افتاده مثال‌هایی که در کلاس‌ها بزنم راجع به فرهنگ ایرانی می‌گفتم.

یک بار در یکی از کلاس‌ها خانمی از من درباره حقوق زن پرسید. توضیح دادم که در اسلام مازن را مثل یک گل می‌دانیم و از لحاظ مالی هر چه داشته باشد برای خودش است و نفعه زن بر عهده مرد است. زمانی که این‌ها را توضیح دادم، خانم‌های کلاس تشویق کردند و خوشحال شدند. یک خانمی آمد و گفت که من اصلاً نمی‌دانستم که شما در اسلام چنین دیدگاهی نسبت به زن دارید و دیدگاهی که در ذهنم بود به کلی نوشته بودند و داخل آن‌ها کل ۳۰ جزء نوشته شده بود.

خواهرشان، تابه ۱۰ تن رسیدند؛ همچنین ر.ک. رسالت ابی غالب الززاری، ص ۱۳۵، در ذکر ایمان اوردن حمران بن اعین از طریق ابوخالد).

در صورتی که هیچ روایتی مبنی بر ترغیب اصحاب «به طور عمومی» بر دعوت مردم به شیعه شدن و اینکه نجات‌شان دهند، یافت نشد.



وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلأَخْوَلَ: «إِنَّتِ الْبَصَرَةَ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: «كَيْفَ رَأَيْتَ مُسَارِعَةَ النَّاسِ فِي هَذَا الْأَمْرِ وَ دُخُولَهُمْ فِيهِ؟ فَقَالَ: وَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَقَلِيلٌ وَ قَدْ فَعَلُوا وَ إِنَّ ذَلِكَ لَقَلِيلٌ. فَقَالَ: «عَلَيْكَ بِالْأَخْذَاتِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ». (قرب الإستاند، ص: ۱۲۶)

در این روایت تصریح شده که این تبلیغ در مرحله‌ای است که گویا افراد شیعه در شهر «بسیار قلیلند».

در این مرحله، اولاً فعالیت تبلیغی شیعه با توجه به قلت تعداد، چندان حساسیت برانگیز نخواهد بود و لذا با سیاست پیش گفته تعارضی ندارد، ثانیاً شیعه برای فعالیت‌های مذکور خود، قطعاً به تعدادی از افراد شیعه‌ی آگاه به مذهب به عنوان کادر مرکزی نیاز دارد.

فعالیت‌هایی از قبیل کمک به مرکزیت شیعه برای فعالیت‌هایی همچون انتقال فقه و حدیث و معارف و ...، و چه بسا از همه مهمتر، تبلیغ محسن کلام ائمه ع و حفظ امت از انحراف نسبت به سنت خود نبی صلی الله علیه و آله و سلم و استفاده از میراث حضرت (ص) جهت جلوگیری از انحرافات بعدی.

این گونه جذب نیروی کم تعداد، خصوصاً از میان جوانان مستعد، در سیره ائمه علیه السلام در همان دوران بارها سابقه دارد مانند جذب جوانان کارایی چون زواره (رجال الکشی، ص: ۱۷۸، ش: ۴۷۵) و هشام بن حکم (رجال الکشی، ص: ۲۵۵، ش: ۱۶۹) همچنین ر.ک. الکافی (اط - الإسلامية)، ج: ۱، ص: ۱۶۹ مبنی بر آن که در جوانی کنار حضرت ع بوده‌اند و...؛ و سیاست اصحاب مقرب و حواریون امام ع، برای جذب افرادی خاص و کارا (رسالة أبي غالب الززاری، ص ۲۳۱) در ذکر شیعه شدن آل اعین از طریق ابوخالد کابلی به واسطه

افتاد به نام (سریان فدای اقتصادی) که اسمش عجب منو یاد گروه مجاهدی خودمن میندازه، این طرح حرفش این بود که بچه ها به جای روش های تست زنی در لحظه، از دیبرستان با مسئله ی کارآفرینی آشنا بشن و آموزش بینن تا بتوان ارزش افزوده (سود) ایجاد کنن و کشورشون رو به این طریق از وابستگی نجات بدند.

بعد هم یه طرحی شبیه این رو تو داشگاهها ادامه دادن و اجرا کردن که مجموعاً این کارا باعث شد تا ژاپن بین سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲ به ۶۴ درصد نوآوری در حوزه های صنعتیش دست پیدا کنه و تو اقتصاد جهانی مطرح بشه.

• مالزی

اصلًا موضوع تو مالزی انقدر مهم بود که وزارت توسعه کارآفرینی تشکیل دادن، وظایفشم اینا شد:

۱. القای فرهنگ کارآفرینی تو جامعه (همون گفتمان سازی)
۲. آموزش و مشاوره ی کسایی که استعداد کارآفرینی دارن، برای ایجاد کسب و کار جدید
۳. بهبود کیفیت و کارآیی کسب و کارای فلیشون
۴. تشویق کارآفرینا و مهیا کردن مقدمات توسعه کسب و کار از طریق انجمن ها یا همون اصناف خودمن که تو کشورما هم حالت تهوعل ایجاد کردن

• ایران در ۶ سال اخیر

آمار کارآفرینی به شدت بالاست و خدارو شکر داریم با سرعت به سمت تحقق شعار هر ایرانی یک رانده اسپن، حرکت میکنیم

برنامه هم اینه که دولت آمار ایجاد اشتغال رو با دیتای اسپن ست کرده و هر سال به راحتی چندهزارتا شغل میده بیرون، الکی ادای این مسخره بازیای شرق آسیایی عقب مونده رو هم درنمیاره... والا

به امید خدا قصد داریم تا تو قسمتای بعدی نشریه با هم بیشتر حرفای نو درباره کارآفرینی بزیم، باشد که روزی بهشون عمل کنیم.

مجموعه مقاله های کارآفرینی به زبان ساده

چند سالی میشه که به خاطر شرایط اقتصادی کشورمون واژه ی کارآفرینی تو ادبیات عمومی پر رنگتر شده و به قول معروف نقل محافل کوچیک و بزرگه از کتابفروشیای انقلاب گرفته تا اینستاگرام.

این نشون میده که کارآفرینی داره تبدیل میشه

به گفتمان، خدا رو شکر

| اندروایب حرکات نو

التبه کنار این اتفاق خوب بعضی هم یه سری حجره باز کردن با سر در کارآفرینی، ادعاشونم اینه که ما معجونی داریم که هر کی اینو سر بکشه از فردا پول و موفقیت بهش رو میاره، به همین راحتی به همین ...

اندازه ی تلاش و فکر و اراده هم که با همون معجون میره رو نمودار تا از فردا شاهد حلول روح استیو جابر تو بطن مشتریان کارآفرینی باشیم.

| کارآفرینی! طلوع! چرا؟

اما واقعیت اینه که نباید اجازه بدیم مسئله ی به این مهمی رو که قطعاً نقش بزرگی تو شکل گیری اقتصاد و فرهنگ جامعه داره و میتونه یکی از زمینه سازان تمدن بزرگ اسلامی باشه، با این کارا به حاشیه بره

این یعنی همه باید کمک کنیم مثل تجربه ی کشورای ژاپن، مالزی، تایوان و ... به واسطه مباحث کارآفرینی شاهد رشد اقتصادی و بهتر شدن معیشت مردم باشیم.

| تجربه های موفق کو؟ اونو به من نشان بده؟

• ژاپن

سال ۱۹۸۵ تو آموزش پرورش ژاپن یه طرحی راه



محمدحسین علیپوری
پژوهشگر حوزه کارآفرینی

همه باید کمک کنیم که با استفاده از تجربه کشورهای ژاپن، مالزی، تایوان و ... در مبحث کارآفرینی، شاهد رشد اقتصادی و بهتر شدن وضع معیشت مردم کشورمان باشیم.

مقام معظم رهبری: اقتصاد مقاومتی باید با زبان دانشگاهی و آکادمیک بیان شود

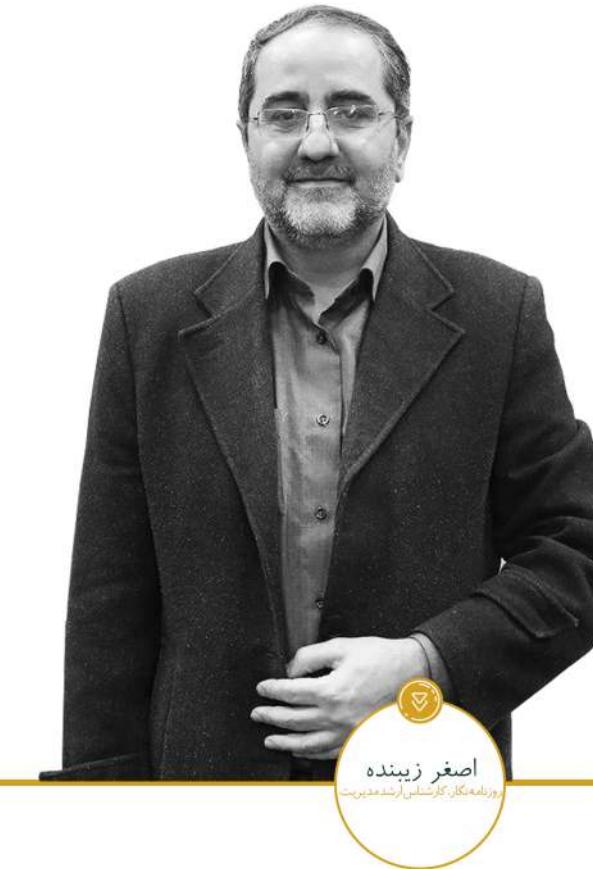
نفس می کشیم.

- یک برنامه‌ای در بیرونیز هست به اسم Learning World، در این برنامه خبرنگار وارد یک کلاس درس می شود و بچه های اول ابتدائی را نشان می دهد و می گوید ۶۰ درصد این بچه ها بیست سال بعد در مشاغل کار خواهند کرد که هنوز خلق شده است و شما هیچ اسمی از آن مشاغل بلد نیستید و تصوری هم حتی از آن مشاغل تخواهید داشت، این یک جریانی است که دنیا دارد می رود به سمت آن، من همین طور هستم، من هم می روم سر کلاس بچه های ایرانی و می گویم این بچه ها بیست سال بعد کجا کار خواهند کرد؛ اگر کسی بگوید بیست سال بعد این دارد قالی بافی می کند، می گوییم قالی یک ارزش افزوده ای دارد، اشکالی هم ندارد، ولی اگر این آقا می تواند جوری تربیت شود که واحد ارزش تولید کند، اگر ۲ واحد ارزش تولید کند خام فروشی انسان صورت گرفته است؛ این منطقی و عقلانی است و دنیا هم دارد به این سمت می رود، من هم باید نقش خودم را ایفا کنم.
- اقتصاد مقاومتی یک برنامه کوتاه مدت نیست، یک پرسه است، یک راهبرد کلان است، تاکتیک اقتصاد دانش بنیان، بانک جهانی هم پرورده اقتصاد دانش بنیان دارد، چه بسا جلوتر از ما بحث از KnowledgeWorker می کند، می گوید کارگران ده سال آینده باید دانش بنیان شوند، حتی کارگران ساده‌ها، ما داریم در این فضا

• به عنوان یک ایرانی نخبه داریم در این جامعه زندگی می کنیم و نمی توانیم نسبت به گفتمان های حاکم جامعه مان، نسبت به پرسه ها و برنامه های این جامعه و این نظام سیاسی بی توجه باشیم، اگر خودمان را دوست داریم، اگر این میهن را دوست داریم، حتی اگر هیچ ارتباطی هم با این نظام نداشته باشیم، نمی توانیم نسبت به این الفاظ بی توجه باشیم، ما داریم در این جامعه زندگی می کنیم، پس باید نسبت به آن مطلع باشیم، حداقل بدانیم که برآیند نخبگانی کشور ما که از زبان رهبری دارد بیرون می آید، دارد چه پرسه ای و چه برنامه ای را طی می کند، دانش بنیان چه؟ و ...

• اقتصاد مقاومتی یک گفتمان(Discourse) است، هم به مفهوم زبانی، رسانه‌ای، ادراکی و ذهنی آن و هم به مفهوم واقعی آن که یک برنامه اقتصادی است، ولی بریده از نظام قدرت آن قطعاً نیست، «نظام قدرت» اگر نیاید پای کار-حالا رهبری یک بخش از نظام قدرت است- بقیه نظام قدرت اگر نیاید پای کار، قطعاً چرخ دنده های آن کار نمی کنند، اقتصاد دانش بنیان هم همین طور.

عنوان بک Discourse کاملاً مرتبط است با این فضای موجود در دنیا، یعنی اگر ما الان می گوییم اقتصاد دانش بنیان، بانک جهانی هم پرورده اقتصاد دانش بنیان دارد، چه بسا جلوتر از ما بحث از کارگران KnowledgeWorker می کند، می گوید کارگران ده سال آینده باید دانش بنیان شوند، حتی کارگران ساده‌ها، ما داریم در این فضا



اقتصاد مقاومتی یک برنامه کوتاه مدت نیست بلکه یک راهبرد کلان است

در این بخش بناست خلاصه محتوای یکی از کلاس های گفتمانی که در موسسه طلوع حق برگزار می شود را خدمت شما ارائه کنیم، در شماره اول سراغ دوره اقتصاد مقاومتی که توسط دکتر عادل پیغمی تدریس شد رفیم.

شناسی، دو؛ انسان شناسی، سه؛ غایت شناسی، چهار؛ ارزش شناسی، پنج؛ معرفت شناسی، شش؛ تکلیف شناسی
• ما اول می رویم سراغ مفهوم سازی اقتصاد مقاومتی، تا بینیم اقتصاد مقاومتی چیست؟
اقتصاد مقاومتی، قبل از علم و دین و نقل، یک مفهوم عقلی است، هیچ شر عاقلی را سراغ نداریم در دنیا که یک سازه‌ای را ساخته باشد و در حد توانش به فکر مقاوم سازی آن تباشد، هر جای دنیا باشد اصل بر استحکام و مقاومت و قوام است. اساساً انقلاب اسلامی اگر به جایی برسد که بگویید من می خواهم اقتصادم را مقاوم کنم، دارد حرف عقلانی میزند، چرا عده ای نراحت می شوند!، چرا می گویند این سیاست زدگی است!

• حالا که عقلی است، مگر می شود عقلاء عالم، علماء دنیا به آن نپرداخته باشند؛ در یک نگاه ساده و در یک جستجو مشخص می شود که حداقل ده پایه علمی ما داریم در اقتصاد که اینها نشان دهنده وجوده تئوریک این حرفاً-اقتصاد مقاومتی- هستند. حالا آن تئوری قطعاً بعد عقلانی دارد، آن بعد عقلانی اش را باید بگیریم، ابعاد زمانی و مکانی اش را هم باید با زمان و مکان خودمان تطبیق بدهیم، با انقلاب اسلامی و ایران و اسلام و ... هم اضافه بکنیم و تئوری های بومی خودمان را داشته باشیم، که می شود همان الگوی اسلامی ایرانی مان در بخش اقتصاد مقاومتی.

- بهترین استراتژی، استراتژی پیامبر است، پیامبر وقتی که اسلام کرد، با یک نظاماتی مواجه بود به اسم «جاهليت»، پیامبر در مواجه با جاهليت سه استراتژی به کار برد؛ «تفی، امضاء و تاسیس»، ما هم همین کار را داریم، ما هم باید یک بخش هایی از غرب یا به تعبیر تند آن «جاهليت مدرن»، را نفی کنیم، یک بخش هایی از آن را امضاء کنیم- نه چاهليت را، پیامبر هم جاهليت را امضاء نکرد، مثلاً گفت در دست شما آدم های جاهلي چیزهای خوبی هم هست- بخشی را هم از صفر تاسیس کنیم.

- مثلاً همه مقدود اسلامی ما همچون مضاربه، مساقات، جعاله و ... امضاء هستند، همه این عقود، عقودی بود که زمان جاهليت اجرا می شد، یعنی هیچ عقد جدیدی را پیامبر اضافه نکرده است، اصل آن را امضاء کرد، چه بسا بخش های زیادی از قوائد آنها را امضاء کرد، بخشی از ریز قوائد آنها را هم تغییر داد، بعضی از عقود را هم بیشتر تغییر داد، یک چیزهایی را هم تاسیس کرد، مانند؛ خمس، زکات و ...

- ما هم می گوییم نوع رفتار ما با تئوری های اقتصادی غرب باید به گونه ای باشد که یک قوه پالایش و نقد داشته باشیم که اگر بتوانیم پیچ و مهره های آن را باز کنیم و درون آن را بینیم که اگر با اصول اسلامی پیدا کنم که البته تشخیص خلاف اصولی اسلامی بودن مجتهد می خواهدیک جائی از آن را هم امضاء کنیم و جایی را هم تاسیس می کنیم. اگر توانستیم دقیق پالایش کنیم، این پیچ و مهره باز کردن را می گویند؛ Deconstruction، یک روش است، یک متداول‌تری است که با آن پیچ و مهره گفتمان ها رو باز می کنند تا درون آن را بینند، فلاسفه معتقدند اگر پیچ و مهره های هر مفهومی علمی و تئوریک را باز کنیم، می رسیم به یک سری عناصر تشکیل دهنده، آن عناصر پایه ای چند چیزند، یک؛ هستی

در برنامه شان نیست، کتاب های درسی هنوز همان زاغک و پنیر بیست سال پیش است، آنوقت یعنی این که این سیستم ها با هم کار نمی کنند!

- هبری می فرمایند؛ «اقتصاد دانش بنیان»، بعد جلسه می گذارند با شرکت های دانش بنیان، بعد می فرمایند سه هزار شرکت کم است و من بیست هزار شرکت دانش بنیان می خواهم، بعد به شرکت های دانش بنیان می گویند؛ «تجاری سازی علم و تولید ثروت از علم به جای نفت»، بعد می روید در سیستم آموزش عالی و می بینید که وزارت علوم، مثلاً این دانشجو اگر دانشجوی رشته شیمی بود، بیست سال پیش این واحدها را می خواند، حالا هم دارد همین واحدها را می خواند!، در حالیکه بیست سال پیش این واحدها را می خواند که در بهترین حالت می خواست کارشناس یک کارخانه بشود، اما الان به او می گویند اگر کارخانه ای هم سراغ تو نیامد، تو باید کارآفرین باشی، خودت یک شرکت دانش بنیان تاسیس کنی، تجاری سازی فرمولت را هم بلد باشی، بازاریابی هم بلد باشی، در بازارهای جهانی هم برو و برای فرمول خودت مشتری پیدا کنی، خوب این آقا باید از کجا تجاری سازی بلد باشد؟ در واحدهای درسی اش نیست!، مرز دانش را آیا در سر فصل های دانشگاهی اش دارد؟، که بتواند با شرکت های دانش بنیان کره ای رقابت کند؟ نیست!، این پنهان سیستم (Subsystem) کار نمی کنند، و رهبر دیگر یک نفر است، هیچ وقت با یک نفر و یک گل بهار نمی شود!، با یک نفر و لو در بالاترین سطح، اگر سایر سیستم ها نخواهند اتفاقی صورت نمی گیرد!... اقتصاد فرق می کند با سیاست، چرخ دنده های آن متفاوت است با چرخ دنده های سیاست و زود گرنم نمی شوند، نیروهایی محركه درونی و کار رسانه ای اقتصاد هم فرق دارد با سیاست.

بعضی وقت ها باید معنا بکنیم، معنای بومی خودمان!، اصلاً «اقتصاد مردمی» یعنی چه؟ ما آمده ایم در حوزه سیاسی مردم سالاری دینی را تعریف کرده ایم و نهادهای آن را هم ساخته ایم، مردم سالاری دینی اقتصادی یعنی چه؟ باید بتوانیم تعریف کنیم، اگر در حوزه نظری نخبگانی تعریف نکنیم و به فهم عمومی نرسانیم و در حوزه ارتباط نخبگان با کارشناسان و هر دوی اینها با مردم آن را تعریف نکنیم، نظام سیاسی قدرت هم از شخص رهبری تا قوه مجریه، قوه مقننه، قوه قضائیه، رسانه، نظام تعلیم و تربیت پای کار آن نیایند، هیچ فایده ای نخواهد کرد!

مثال رهبری در جایی می فرمایند؛ «اقتصاد مقاومتی همان اقتصاد کار آفرینی یعنی چه؟ کار آفرینی یعنی؛ «نوآوری» ضریبدر «ریسک پذیری»، نوآوری را می آید و شعار سال می کند و ریسک پذیری آن را می رود و به آموزش و پرورش می گوید؛ بچه های ایرانی از سینین ابتدایی، باید ریسک پذیر بار بیایند. یکی از چیزهای خوبی که در فرهنگ غربی ها وجود دارد همین روحیه ریسک پذیری است.

- ریسک پذیری برای بچه های ایرانی خواسته می شود، سال هم «سال نوآوری» می شود، چند سال بعد هم می گویند؛ «اقتصاد مقاومتی یکی از معانی اش همان اقتصاد کار آفرینی است»، این حلقه ها را کنار هم دیدن، نشان می دهد این مجموعه یک نظم نسبی و منطقی دارد، این رهبر نقشه ای را می فهمد و دارد این نقشه را پیاده می کند، ولی اگر بدنه کارشناسی این نقشه را نفهمد، یعنی آدم که می رود در آموزش و پرورش و می بیند آنها اصلاً ریسک پذیری برای بچه ها،

پرورش انسان تمدنی موتور پیشران تمدن سازی

تبليغ مردم به اسلام و مفاهيم الهي، بلندگو دست بگيريم و تک تک افراد را به اسلام دعوت کنيم، گذشته است. ما باید يك تمدن نمونه و الگو را ايجاد کنيم که مایه الهام بخشی و هدایت فوج فوج انسانها بشود. ايشان می فرمایند هدف نهايی ايجاد يك تمدن است و برای تحقق آن به دو چيز نيازمنديم: اول فکر و اندیشه تمدنی و نظام ساز که در الگوي اسلامی ايراني پیشرفت عينيت می يابد و دوم كادرسازی و تربیت نيرسوی انساني تمدنی مومن به پياده سازی اين افكار و الگوها و کافر به الگوي توسعه رايغ غربي موجود.

پیشرفت و تمدن مقدس ترين
واژه های يك حرکت انقلابی

پس در حقیقت واژه تمدن و پیشرفت آن کلمه الهام بخشی است که تمام فعالیت های ما را باهم پیوند می زند و يك بردار قدرتمدن برای ساخت عصری جدید را بوجود می آورد. در منظمه اندیشه آقا و در نگاه انقلابی اين واژه بار معنایي بسيار سنگينی دارد. يعني کلمه پیشرفت و تمدن سازی میتواند همه فعالیت هايی که در عرصه هاي مختلف(فکري، اقتصادي، فرهنگي، اجتماعي) انجام شروع دوباره اى بود برای بازگشت ايرانيان به مسیر تمدن سازی الهي.

هدف تمدن سازی برای هدایت عموم بشریت با دو عنصر اندیشه نظام ساز و انسان تمدنی مقام معظم رهبری می فرمایند دوره آنکه برای بزرگ و يك تيم متحد بزرگ را نقش بندی کند.

● چرا به فکر راه اندازی يك موسسه با شعار به سوي تمدن اسلامي آن هم در حوزه آموزش افتاديد؟

| چرا شعار به سوي تمدن اسلامي شعار موسسه طلوع از روز اول شکل گيری در سال ۹۲، به سوي تمدن اسلامي بوده است. اينکه يك موسسه با اين شعار شکل بگيرد شاید خودش برای ديگران جای سوال داشته باشد. شاید لازم باشد بيشتر در مورد علت انتخاب اين شعار صحبت کنيم و بعد راجع به اهميت آموزش.

وقتی کل تاریخ بشریت را از ابتداء تاکنون مرور کنيم دائم واژه اى تکرار می شود: مردم ايران زمین. شنide ايد می گويند اين تيم شخصيت قهرمانی دارد؟

شخصيت مردم ايران زمین يعني هویت جمعی ايرانيان فرهنگ، باورها، مضاف بر همه اينها نگاههای تاب اسلامی و عقلانیت دینی و موقیت رئوپلیتیک ايران پتانسیل تمدن سازی و تاثیرگذاري بر جهان را دارد و همواره بار اصلی تمدن سازی الهي و معنوی بشریت را برداش خود کشیده است.

بعد از وقفه اى در تاریخ ايران، انقلاب اسلامی شروع دوباره اى بود برای بازگشت ايرانيان به مسیر تمدن سازی الهي.

هدف تمدن سازی برای هدایت عموم بشریت با دو عنصر اندیشه نظام ساز و انسان تمدنی مقام معظم رهبری می فرمایند دوره آنکه برای

طلع حق هم چون قطره ای از دریا در مسیر تمدن سازی

گفتگو با جعفر فرجی، مدیر عامل سابق موسسه طلوع حق و يكی از موسسین نهضت اجتماعی جوانان انقلاب اسلامی پيرامون فعالیت ها، اهداف و چشم انداز موسسه فرهنگی طلوع حق



مصطفی رجبی
مصاحبه گر

در مسیر مهمترین نکته‌ای که داشتیم این بود که نیروهایی که درگیر مساله مبنایی و مدل اجرایی و مساله کف میدان می‌شدند و می خواستند بین این دو خطی را ترسیم و امتدادی را نگاشت کنند، نیاز داشتند که مجهز به یک سری مهارت‌ها هم باشند. با یک چنین رویکردی اولین مهارتی که لازم بود یک انسان تمدن ساز داشته باشد در حوزه بلاغت و ارتباط با مردم برای گفتمان سازی است. پس، کنار مباحث اندیشه‌ای مرتبط با میدان و مساله محور، مهارت‌های مرتبط با دوره‌های گفتمانی، فعالیت‌های کار عمومی در جامعه، کار رسانه‌ای و فعالیت‌هایی از این دست را در چهارچوب فکری موسسه مد نظر قرار دادیم.

پس در حوزه آموزش تاکنون در دو محور حرکت کردیم.

یک محور آموزش‌های اندیشه‌ای مساله محور که مبنای را به میدان پیوند بزند و دوم فعالیت‌های آموزشی مهارتی که نیروهای اقلابی را در گفتمان سازی و جهاد کبیر توانمند کند.

در ابتدا حلقه اصلی تشکیل دهنده موسسه چه کسانی بوده‌اند؟ در این مدت چند ساله کسی به اعضا و هیات مدیره اضافه شده؟

در حوزه محتوایی اقای یامین پور فرد محوری کار بودند. اقای دکتر معاف و اقای دکتر اسماعیلی هم به عنوان هیات مدیره موسسه حضور داشتند. در اوایل کار اقای محمد حسن روزی طلب، اقای شیخ علی جعفری، اقای محمد سرشار، اقای محسن منصوری، اقای محمد حسین ساعی، اقای علی نادری هم کمک کردند که این فکر شکل بگیرد و به زمین بنشیند. این بزرگواران جوان های نسل سومی اند که راهبردهای محتوایی را مشخص می‌کردند.

فتح نهایی بودند و مسیر این فتح را خلاقیت جهادی و تکیه بر ساخت مدل‌های مردمی جنگیدن برآمده از مبانی دینی می‌دیدند. چنین انسان هایی با اراده و عزم فوق العاده جدی و غیر قابل تصور و به تعبیر آقا افسانه وار آنچنان به مبانی خودشان اعتقاد دارند که در محیط میدان خالق الگوها و مدل‌هایی می‌شوند که تمام مدل‌های غریبی را به چالش می‌کشد و بر هر چه مانع و فشار و سختی غلبه می‌کنند.

این انسان تمدنی واحد یک سری ویژگی هاست. اولینش این است هم دستی بر مبنای و هم دستی بر میدان دارد، حرکت در مسیر پرورش این انسان خیلی با ارزش و مهم و راهبردی است.

| آموزش مساله محور در دو حوزه اندیشه و مهارت

یک جمله‌ای حضرت آقا داشتند با این مضمون که دانشجویان و جوانان ارتباط خود را با اساتید ارزشی و برجسته اقلابی تعمیق بخشنند. ما اساتید مسلط به مبانی را باید درگیر مساله میدان و دانشجویان را درگیر مبانی و راه حل برآمده از آن میکردیم.

آموزش مساله محور پاسخ و قالبی بود برای حصول این اهداف. پیش فرض آموزش مساله محور این بود که ما می‌خواهیم مبانی را امتداد بدھیم تا محیط میدان و جامعه. خب این یک سبک آموزش جدید بود. با یک چنین نگاهی و با این رویکرد که ما بچه‌ها را درگیر مساله میدان کنیم، کار را شروع کردیم.



موسسه ذیل این مفهوم و واژه پردازیم.

همانطور که از کلام آقا عرض شد دو محور عمده داریم اول فکر و تفکر نظام ساز و دوم کادرسازی که این دو مارا به سمت یک کار آموزشی مساله محور رهنمون کرد.

اولین محور و مسئله فاصله و شکاف سنگینی بود که بین مبانی تصوری برآمده از نگاه های اقلابی و دینی با میدان عملیات وجود داشت. ما اعتقدامان این است که مبانی خلی مستحکم و قوی داریم ولی متأسفانه تا محیط میدان و جامعه امتداد پیدا نکرده است.

پس یکی از مهمترین دغدغه ها همین فاصله بود. اینکه مبانی فکری فلسفی و نگاه های تئوریک باید امتداد پیدا کند به جامعه و حوزه نظام سازی.

بنای موسسه طلوع بر این بود که نخبگان اقلابی که هر کدام در عرصه های تخصصی بینند در پازل تمدن سازی که حضرت آقا فرمودند، کجا هستند؟ یعنی اینها چه کار تحولی را ذیل تمدن سازی و پیشرفت میتوانند انجام دهند؟ ما باید بحث تمدن سازی و پیشرفت را از آسمان انتزاع به زمین بیاوریم و همه در این مقوله برای خود نقش پیدا کنند.

پیشرفت برآیند جمعی تلاش همه ما مردم از کوچک و بزرگ است و بار اصلی آن نیز پیش از دولت و ساختارها بر عهده جوانان تمدنی مجموعه های خودجوش مردمی و موسسات مردمی است. برای همین بود که شعار به سوی تمدن اسلامی انتخاب شد.

| پرورش انسان تمدنی موتور پیشران تمدن سازی

بحث دوم پرورش انسان تمدنی است. موتور پیشران هر تمدنی در یک کلمه پرورش انسان تمدنی بوده. ما و شما نمونه های موفق خلق ابرانسان های تمدنی را در دفاع مقدس دیده ایم. انسان هایی که علی رغم برتری های کمی و عددی و محاسباتی دشمن از بن دندا معتقد به

همه در هر جایی باید خود را مخاطب پیشرفت و تمدن سازی بدانیم

از روز اولی که موسسه طلوع راه اندازی شد بر این باور بودیم که با بحث تمدن و پیشرفت باید همه آحاد جامعه نسبت برقرار بکنند و نقش خودشان را در این عرصه تعریف کنند و به خاطر همین بود که موسسان مجموعه پیش قدم شدند و مثل قطره‌ای در دریا شعار به سوی تمدن اسلامی را انتخاب کردند. نباید برای امثال ما تصور شود که ما یک موسسه کوچک در گوشه‌ای از شهر در بحث پیشرفت و تمدن سازی چه می‌توانیم بکنیم.

ما نیتمان این بود که هر مجموعه ای باید جایگاه خودش و نسبت خودش را با تمدن سازی و پیشرفت درک کند. هر خانواده ای هر انسانی و یا هر کوکی هر مسجدی هر هیئتی نگاه کند و بینند در پازل تمدن سازی که حضرت آقا فرمودند، کجا هستند؟ یعنی اینها چه کار تحولی را ذیل تمدن سازی و پیشرفت میتوانند انجام دهند؟ ما باید بحث تمدن سازی و پیشرفت را از آسمان انتزاع به زمین بیاوریم و همه در این مقوله برای خود نقش پیدا کنند.

پیشرفت برآیند جمعی تلاش همه ما مردم از کوچک و بزرگ است و بار اصلی آن نیز پیش از دولت و ساختارها بر عهده جوانان تمدنی مجموعه های خودجوش مردمی و موسسات مردمی است. برای همین بود که شعار به سوی تمدن اسلامی انتخاب شد.

چرا حوزه آموزش را انتخاب کردید؟

لزوم کاهش شکاف بین مبانی فکری و فلسفی با محیط میدان و جامعه با درگیر نمودن نخبگان با مسائل

لازم است به محورهای اصلی شکل گیری

عجب مردم مواجه شد.
شهید شیرازی و چند نفر محدود از دوستان تا هفته دوازدهم در چهارراه ویصره این کار را انجام میداند. کار طاقت فرسایی هم هست چون هر هفته هست و مناسبتی نیست. بدون اینکه مسافرت بروند کار را با تداوم انجام دادند.

راه اندازی سه شنبه های مهدوی در ۱۷۰۰ میدان اصلی شهر به برکت خون شهید شیرازی

هفته ۱۲ ام ایشان در اردیه جهادی شهید شدند.
بچه های جهادی، هفته بعدش برای بزرگداشت این شهید در ۵۰۰ نقطه کشور همگی با هم این کار را انجام دادند.

الآن ۱۷۰۰ میدان اصلی از نقاط شهری این پروژه توسط گروههای خودجوش مردمی در حال اجرا است. در داشگاه ها در مدارس و ... تازه اینها مواردی هست که ما میدانیم. الان بچه ها دنیال ارتقاء کار هستند. نوبه تو فکر میکنند. کاری که اصلا اسم طلوع را نیاوردیم تا هر کسی با موسسه یا مجموعه خودش بیاد این کار را انجام دهد.

یک نکته خنده دار هم لازمه گفته بشود اینکه شهید شیرازی که چون موسس این کار بود، بعضی از این نهادهای سیاسی امنیتی اعلام کردند این کار برای مجموعه سید صادق شیرازی هاست و جلوی این کار را داشتنند میگرفتند در کشور، نشان از عمق تحلیل دوستان دارد.

مجموعه خیرینه هم که در نوع خودش سعی کرده در مناطق محروم کشور خدمات اجتماعی دهد و البته فعالیت های کارآفرینی و استغالزایی را در دستور کار دارد.

پویش پیامی آورده اند شهدای غواسچ

در عرصه اجتماعی بچه ها فعالیت های عمدۀ دیگری را نیز رقم زده اند بعنوان مثال در حوزه

در این باشگاه ها اولویت اصلی این بود که در ابتدا شبکه سازی بچه های انقلابی به شکل تخصصی صورت بگیرد تا در عملیات های مشترک بصورت جمعی در کف میدان با مردم بتوانند فعالیت های اجتماعی را دنیال کنند.

در حوزه فعالیت های اجتماعی موسسه طلوع چند نمونه را خدمتمنان عرض میکنم.

شهید شیرازی و راه اندازی حرکت کم نظری سه شنبه های مهدوی



روزی که شهدا بزرگوار شیرازی و حسینی سه شنبه های مهدوی را در چهارراه ویصره شروع کردند، آرزویشان این بود که ما بعد از پنج سال برسمی به سیصد نقطه در کشور.

دغدغه اصلی این عزیزان کاهش فاصله بین نیروهای انقلابی با توهه های مردم بود و جویشان این بود که ما باید خادم مردم بوده و در سختی ها و مسائل شان کنارشان باشیم و مردم، جوان های انقلابی را باید در حال خدمت گذاری به خود بینند.

پیشنهاد بسیار ساده ولی خلاقالنه و جذابی را دادند. در میادین اصلی شهر بنام امام زمان (عج) و قسمتی از وقت، مال و تخصص خود را نذر سلامتی حضرت نموده و آن را در راه خدمت بدون مزد به مردم صرف کنیم.

یک نفر بلد است و اکس بزنده یک نفر آرایشگری کند یکی مشاوره بلد است یکی ویزیت پزشکی رایگان می کند و ... همه هر چه دارند به خدمت مردم بیاورند که این کار از روز اول با استقبال

روزی که به موسسه می آیند باید یک رسالتی داشته باشند. مسیر توانمند شدن و خودسازی در بحث تمدن سازی از مسیر فردی و شخصی نمی گذرد. باید از روز اول که حرف ها را میشنوند به فکر حل مسائل اجتماعی و فعالیت های اجتماعی باشند که آنها دیگر مخاطب عمومی و قشر خاکستری جامعه است. نمونه هایی از فعالیت های اجتماعی داشتم. از سه شنبه های مهدوی و خیرینه تا فعالیت های مختلف در حوزه شبکه های اجتماعی، کمپین ها و

● حوزه های فعالیت موسسه فقط در زمینه آموزش است یا در حوزه های دیگری نیز فعال بوده است؟

همانطور که عرض شد راهبرد اول توانمند کردن و غنی سازی بچه های انقلابی بود. راهبرد دوم هم اجتماعی سازی و استفاده از نیروهای توانمند در دل جامعه برای حل مساله های مردم.

● آیا جامعه هدف شما فقط عناصر انقلابی و حزب الله هستند؟

پیگیری توانمند دو راهبرد غنی سازی و اجتماعی سازی ما در مسیر حرکت موسسه دو راهبرد اساسی را پیگیری کردیم غنی سازی و اجتماعی سازی توانمند.

راهبرد غنی سازی بدین معناست که تمرکز و اولویت اولیه مجموعه توانمند سازی نیروها از طریق آموزش و بحث های گفتمانی، اندیشه ای و مهارتی است که این فعالیت ها تمرکز بزر روی جامعه مخاطب انقلابی و بچه های حزب الله است.

تلاشمان این بوده و قتی بحث توانمندسازی و پرورش انسان توانمندی است، خیلی محکم روی هسته اصلی و هسته سخت انقلاب که جوانهای انقلابی هستند وقت بگذاریم و کار کنیم. راهبرد دوم ما اجتماعی سازی فعالیت های جریان حزب الله به قدر توان مان است. این افراد از



باشگاه کوهنوردان طلوع باشگاه فیلمنامه نویسان باشگاه بانوان باشگاه شعر باشگاه طنز باشگاه کتاب خوانی باشگاه فعالان مجازی و ... همه در مدت کوتاهی شکل گرفت.

گفتمانی مشهور و محبوب این کار توفیقی نخواهد داشت و سر همین قضیه خیلی از دوستان به ما خوده میگرفند.

آرزوهایی دست نیافتنی که این روزها حق شده

یکی از آرزوهاییمان در آن مقطع این بود بتوانیم ویترینی از ۵۰۰ نفر از جوانان در حوزه های تخصصی را به مردم معرفی کنیم که هم خیلی تخصصی حرف میزنند و هم دیگر شعارگونه نطق نمی کنند و هم حرف هایی که بیزنند خیلی به محیط میدانند زدیک است و یک کل به هم پیوسته و سیستماتیک را تصویر می کند و هم انقلابی تر از نسل های قبلی هستند.

باقی این بحث به کلام و اندیشه رهبری آن مقطع میفهمیدیم راه بازگشت به مسیر پیشرفت و رفع انسداد شکل گرفته در ارکان مدیریتی کشور بحث توجه به خصوصیات تحول نسلی و گفتمان جوان سازی سیستم مدیریت کشور یا به عبارتی جوان سازی حکمرانی است و خدا را شاکریم هر چند توان مان کم بود و تأثیر زیادی نداشتم ولی راهبردی که آن روزها از طرف دوستان تمخر میشدیم یا به سطح سیاست بازی های مصادقی برچسب می خورد این روزها با تاکیدات و بیژه رهبری به یک گفتمان عمومی تبدیل شده است و امروز هم که دیگر جوانگرایی، تحول نسلی، جوان سازی اندیشه ها، سیستم ها و مدیریت ها سکه راچ شده است.

● یکمقدار راجع به ساختار داخلی مجموعه صحبت کنیم. ویژگی های منحصر به فرد ساختارهای داخلی موسسه را چه جزیی می دانید؟

تلاش دوستان در موسسه این بوده که ساختارهای مجموعه کارآمد و نوآرانه باشد.

ساختار منطبق بر فناوری های نوین

گفتمان جوانگرایی و جوان سازی حکمرانی نمیتواند بدون سمت و سو و جهت سیاسی باشد. راهبردی که چهار سال پیش مبنای تاسیس قرارگاه اعزام سخنران عمار شد

کار راهبردی و متفاوتی که بچه ها در این حوزه انجام دادند بحث راه اندازی قرارگاه اعزام سخنران عمار است. این هم یکی از کارهای راهبردی موفق موسسه طلوع بود.



نzedیک به ۴ سال پیش به این جمع بندی رسیدیم که ما باید نسل جدیدی از جوانان متخصص را به جامعه معرفی کنیم.

نسلی که بتواند با نگاه و زبان علمی به مسائل بنگرد و با ادبیاتی جدید با مردم صحبت کند، حرف هایی ناظر به مساله و حل مساله، حرف هایی جدید ناظر به آینده و پیشرفت کشور بزند نه حرف های کلی و شعاری و احساسی.

گذار از نخبگان شورآفرین بسمت نخبگان جوان

تخصصی گذار از نخبگان موج آفرین و شورآفرین بسمت نخبگان جوان متخصصی که اندیشه ها و حروف هایی کاملاً منطبق بر مساله ها با راهکارهای عملیاتی در حوزه تخصصی با اتسکا بر مفهوم الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی برای جامعه دارند. خوب در آن مقطع شبکه اعزام اساتید عمار که حقاً مجموعه پرتوان و راهبردی بود با حمایت جهه فرهنگی انقلاب و پشتیبانی خاتم شکل گرفت. خیلی ها میگفتند با عدم بکارگیری چهره های

هیچ کنشی در منظومه حرکت انقلاب اسلامی نمیتواند بداند اگر اشتباه نکنم عددی نزدیک به یک میلیون در صفات و شبکه های مختلف مخاطب دارند. من بخواهم گل کار بچه ها را در این حوزه ذکر کنم بحث کمپین پیامی آورده اند را میگوییم که برای شهدای غواص بود. هر چند آن کار، کار بک مجموعه خاص نبود و همه با هم آمدند پای کار، اما اجرای کمپین توسط بچه های طلوع انجام شد که از همه چهره ها و افراد مختلف مورد احترام مردم دستنوشته ای میگرفتند که فکر میکنید شهدای غواص چه پیامی را برای مردم دارند. مشارکت و موج خوبی ایجاد کرد که همه اقسام در گیر این بحث شدند.

● اخادی زائران اربعین در مرز مهران

تلاش مان این بوده که هرجا قرار بوده اتفاقی در حوزه های راهبردی رقم بخورد، موسسه وارد شود و روشنگری فکری و اندیشه ای و میدانی بکند به حد بضاعت خود.

پرهیز از ورود مصدقی به انتخابات ها ولی اگر منظورتان از سیاست ورود مصدقی به انتخابات است، ما همیشه سیاستمن بر این بوده که در فضای انتخاباتی موسسه طلوع را به هیچ عنوان درگیر حمایت از لیست خاصی یا درگیر اطلاعیه و بیانیه و یا فعالیت انتخاباتی با نام و گفتمان را تشريع کنیم. در واقع خواستیم می بینند و در پشت مرزها و به دور از دوربین ها و توجهات دیگران ۱۵

روز کار سنجین آشیزی را در سه شیفت روزی انجام می دهند. در عرصه های دیگر هم هر جایی که نیاز داشتیم همین نیروی متصرف در این باشگاه ها که سامان یافته بودند و دور هم جمع شده بودند با هم عملیات تعريف می کردند.

● موسسه خط فکری و سیاسی خاصی را ادبی

● می کند آیا فعالیت خاصی در این حوزه انجام داده

● اید؟

● اگر سیاست دفاع از موزه های فکری و حریم و لایت باشد در وسط میدان سیاست ایستاده ایم

حوزه شبکه های اجتماعی و فضای مجازی شبکه بزرگی از مخاطبان را شکل دادند، اگر اشتباه نکنم عددی نزدیک به یک میلیون در صفات و شبکه های مختلف مخاطب دارند. من بخواهم گل کار بچه ها را در این حوزه ذکر کنم بحث کمپین پیامی آورده اند را میگوییم که برای شهدای غواص بود. هر چند آن کار، کار بک مجموعه خاص نبود و همه با هم آمدند پای کار، اما اجرای کمپین توسط بچه های طلوع انجام شد که از همه چهره ها و افراد مختلف مورد احترام مردم دستنوشته ای میگرفتند که فکر میکنید شهدای غواص چه پیامی را برای مردم دارند. مشارکت و موج خوبی ایجاد کرد که همه اقسام در گیر این بحث شدند.

● چند سال از مرز مهران طلوع به عنوان خادم برای پخت غذا برای زائرین اربعین به آشیزخانه مهران اعزام می شوند، طیف گسترده ای از بچه ها برای چینن کار طاقت فرسا و سنجینی وارد می شوند. در شرایطی که همه از مقابلشان رد می شوند و کربلا میرونند اینها جمعیت انبوه زائران را می بینند و در پشت مرزها و به دور از دوربین ها و توجهات دیگران

روز کار سنجین آشیزی را در سه شیفت روزی انجام می دهند. در عرصه های دیگر هم هر جایی که نیاز داشتیم همین نیروی متصرف در این باشگاه ها که سامان یافته بودند و دور هم جمع شده بودند با هم عملیات تعريف می کردند.



در صد بالایی از فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند بصورت داوطلبانه و بدون تغییری در دریافتی هایشان انجام می‌شود.

مدیرعامل مجموعه اتفاق و یا حتی یک میز مجرا برای خود نداده و نوع جدیدی از تقسیم کار مشارکتی در حوزه نظر و عمل در حوزه‌های تخصصی اعمال شده که همواره روح جهادی و تعامل بین نیروها تقویت شود و سازمان بسته نگاه کارمندی حرکت نکند.

یک موسسه بدون حمایت مالی هفت سال به حیات خود ادامه داده مباحثت مالی موسسه چگونه تأمین می‌شود؟

خب ما مجموعه‌ای مردمی بودیم و از هیچ جا بودجه ای نداشتیم. روابط این خودکفایی و استمرار کار خود بحث مفصلی را میطلبد.

ابتدا باید مختصات موسسه را خدمتستان عرض کنم. این موسسه در حوزه آموزش شروع کرده، خب کار در حوزه آموزش آن هم در مباحثت گفتمانی خیلی سخت است.

کار در حوزه آموزش با بچه‌های حزب اللهی سخت تر هم هست. چون اکثر اهم اهل مطالعه هستند و هم یک نوع اجتهاد درونی در بچه‌ها وجود دارد. یعنی احساس میکنند در خیلی از حوزه‌ها حرف برای گفتن دارند و خیلی سخت زانوی شاگردی در محضر اساتید میزند.

در نظر بگیرید که ما هم یک مجموعه‌ای هستیم که آموزش هایمان هیچ گونه ارتقای مالی و یا شغلی را برای بچه‌ها در سازمان‌ها و ارگانهای محل خدماتشان ایجاد نمیکنند.

نکته بعدی اینکه ما تازه از مخاطبان هزینه هم میگیریم. یعنی اینکه یک موسسه‌ای توانسته در طول ۶ الی ۷ سال با همه فشارهایی که روی جامعه هست با منابع مردمی چرخش را پرخاند، خودش فی نفسه یک موفقیت بزرگی است.

ما در اقتصاد فرهنگ موسساتی که بتوانند خودکفا

یکی از تفاوت‌های ساختاری دیگر موسسه توجه به مخاطبان در سراسر کشور با رویکرد آموزش مجازی در موسسه بود که بسیار در توسعه فعالیتها و تامین مالی موسسه موثر بوده است. ما از ابتدای شروع کار با اتخاذ راهبردی توجه به مخاطبان استان‌ها و شهرستان‌ها را مدنظر قرار دادیم. این موضوع در ابتدا فقط از طریق فایل‌های صوتی کلاس صورت می‌گرفت و امکان ارتباط مخاطبین استانی و اساتید از این طریق فراهم بود ولی الحمدله در حال حاضر بجهه‌ها بسته‌های آموزش مجازی با مردم ارائه داده که خب در نوع خود بسیار باکیفیت و بی نظیر است.



تا الان بیش از ۱۴۰۰ دوره برگزار شده و جامعه دانش پژوهان موسسه طلوع به عدد بینظیر ۳۰۰۰ نفر رسیده است.

گریز از حاکمیت ساختار کارمندی با اتخاذ راهبرد سیستم اداری جهادی
ویژگی دیگر تمايز ساختاری موسسه سیستم اداری متفاوت مجموعه است. ما پرهیز جدی داریم از تفوق نگاه بروکراتیک بویژه در حوزه برخورد با منابع انسانی.

مثلماً ما هیچ گاه در مجموعه ساعت زنی نداریم و میزان پرداختها بر اساس میزان ساعت خضور افراد نیست و از شیوه‌های کنترلی شکلی نیروی انسانی بشدت پرهیز داریم. بسیاری از اوقات به نیروهایی که ماهها برایشان مشکلی شخصی بوجود آمده حقوق پرداخت شده و در عوض افراد

بعضی وقت‌ها در روز ۵ الی ۶ ساعت درگیر جواب دادن به تک تک مخاطبین بودم و نظراتشان و حرف هایشان را میشنیدم. ما بهترین مشاوره‌ایمن، مخاطبین مان هستند.

مزیت دیگر این مسئله این بود که من مطلع ترین فرد در موسسه بودم. بیشترین ایراد‌ها و رفع اشکال‌ها را ماز مخاطبین میگرفتم.

| ساختار منعطف منطبق بر تحولات محیطی نکته بعدی این است که ساختار داخلی منعطف و پویا بوده و متناسب با تحولات محیطی سریع خود را بازآفرینی می‌کند و نسبت به مساله‌هایی که در جامعه بوجود می‌آید با نگاهی باز به استقبال تحول ساختاری می‌رود.

مثال بعد از صدور نامه حضرت آقا به جوان‌ها کشورهای غربی، دیدیم نیروهای انقلابی توان و سامان مناسی در این حوزه ندارند. آنچا بود که سرعت در حوزه آموزش زبان تبلیغی ورود کردیم.

روز اولی که اساتید دانشگاه را برای تهیه مدل جدید آموزش زبان جمع کردیم ۵ سال زمان و چند میلیارد بودجه می‌خواهد. خدا کمک کرد و ظرف کمتر از نه ماه و با هزینه‌ای بسیار کمتر از برآوردها سبکی جدید با محتوای تبلیغی ویژه طراحی شد که با بالاترین سرعت افراد را ظرف یکسال سلسه به مکالمه می‌نماید.

با خاطر این راهبرد پاسخ به نیاز زمانه و پاسخ به مسائل مبتلا به جامعه بصورت راهبردی، موسسه روز به روز نو به نو شده. قسمت زبان انگلیسی، زبان عربی و زبان عبری تعداد زیادی دانش آموخته‌هایی داریم که با نگاه انقلابی آمدند و الان در جاهای مختلف مشغول به فعالیت تخصصی و کمک به نظام هستند.

| راهبرد توجه به آموزش مجازی برای پوشش حداکثری مخاطبان از ترم سوم و چهارم به بعد اکثر دوره‌های پیشنهادی را خود مخاطبین به ما میداند. مخاطب‌ها شدند اتفاق‌های فکر مار و به خاطر همین خیلی از موفقیت‌ها شکل گرفت. من خودم

بهره گیری از فناوری‌های نوین و خلاقانه مهمترین مزیت موسسه طلوع بوده است. سال ۹۲ خیلی تراکنش‌های اینترنتی بانکی معمول نبود ولی ما مدل خود را به جای مدل‌های سنتی علی رغم علم به ریزش تعداد زیادی مخاطب روی مدل‌های جدید پیاده نمودیم. بعضی از کارهای رخدادهای حضور نیروهای جوان و خلاق در مجموعه، کارهایی که نیاز بوده نفر انجام بدهند، بدليل آی تی بیس تعريف کردن مجموعه، بدون دخالت یک عنصر انسانی انجام میشود.

حاکمیت راهبرد مشتری مداری در همه ارکان موسسه

نکته بعد اینکه سبک مدیریت موسسه از روز اول سبک مشتری مداری و مخاطب مداری بوده یعنی به تعییر دیگر: اهمیت جدی به نظر مخاطب. برای تحقق این راهبرد ما از روز اول یک درگاه ورودی سهل الوصول در شبکه‌های اجتماعی را انتخاب کردیم و گفتم این درگاه دست شخص خود مدیرعامل است. هر گونه انتقاد و پیشنهادی دارید به ما بدهید و هر دوره ای مدنظرتان است را معرفی نمایید.

از ترم سوم و چهارم به بعد اکثر دوره‌های پیشنهادی را خود مخاطبین به ما میداند. مخاطب‌ها شدند اتفاق‌های فکر مار و به خاطر همین خیلی از موفقیت‌ها شکل گرفت. من خودم

این چند حوزه اگر در دستور کار طلوع قرار گیرد، اتفاق بزرگی را رقم میزند. مجموعه های دیگر هم اگر بخواهند کاری را راه بیندازند، حتماً بایند یک مطالعه کامل در حوزه مدیریتی و ساختار اداری و نوع نگاه تحولی که در مجموعه و تک تک اعضاش هست را انجام دهند. ما هم تا جایی که در توافقنامه باشد به انتقال دانش و تجربه در این حوزه کمک خواهیم کرد. واقعاً حوزه فعالیت در زمینه های گفتمانی، آموزشی و اجتماعی خیلی حوزه سختی هست. بودند مجموعه هایی که با بودجه های کلان راه اندازی شدند ولی بعد توانستند جلو بروند. موسسه طلوع هم واقعاً با روی باز از پچه های استانها و شهرستانها استقبال می کند که بایند و یک انتقال فناوری صورت بگیرد. مانند استقبال میکنیم یک روزی طلوع بتواند در شهرستانها نیز فعال شود.

و در نهایت از خدا استمداد داریم همچنان توفیق انجام عمل موفر به تکالیف را به ما بدهد و مدد میخواهیم که به اندازه توافقنامه به اندازه یک مجموعه مردمی بتوانیم اولاً پیشرو باشیم و ثانیاً مساله های جامعه را خوب درک کیم و در نهایت اینکه مدل خلاقانه و مردمی را روی میز بگذاریم من از همه دوستان و مخاطبان باخاطر زحمات و همراهی هایی که داشتند نهایت تشکر را می کنم و از تک تک آنها التماس دعا دارم.

● برای آینده چه برنامه هایی دارید و برای دیگر گروه ها که قصد شروع دارند، چه برنامه و چه توصیه ای دارید؟

بله قطعاً برای آینده برنامه های جدی داریم. اولين برنامه عبارت است از اينکه شعبات آموزش زبان موسسه باید در مجموعه ها و شهرهای دیگر نیز توسعه پیدا کند.

دومین برنامه عبارت است از اينکه که ما يك پیوند جدی با تلویزیون باید داشته باشیم که بچه ها دارند این موضوع را پیگیری می کنند. سومین برنامه عبارت است از اينکه طلوع باید يك پلتفرم بزرگ مجازی در حوزه های آموزش و محظوظ را در دست بگیرد.

اولویت چهارم برنامه ها و یکی از حوزه هایی که طلوع خیلی خوب جلو رفته فریلنسرینگ هست در حقیقت کسب درآمدهای ارزی از طریق بستر اینترنت. در این شرایطی که بحث اقتصاد مقاومتی و تحریم هاست، ورود ارز به کشور بک جهاد بزرگ و مهم است. ما پیش روی خودمان کشور پاکستان و هند را داریم که دارند میلیون ها دلار از حوزه فریلنسر ارز وارد کشورشان میکنند. يك غفلت بزرگی در این حوزه شده توسط مسولین چه در بحث فناوری ارتباطات کشور و چه در مجموعه های انقلابی.

متوجه وزارت ارتباطات هم با پرداختن به کارهای سطحی، بدترین ضربه ها را در فرصت سوزی برای حضور خیل عظیم جوانان متخصص ایرانی در بازارهای جهانی حوزه اینترنت زده است.

موسسه طلوع آمده در این زمینه پیشگام شده و يك تیم متخصص و توأم‌نده مستقر کرده در این حوزه که فکر میکنم حوزه ای هست که ان شالله به زودی خبرهای خوبی را خواهیم شنید. ظرفیتش هست که چند هزار نفر را درگیر این حوزه کرده و عدههای بزرگی را نصیب کشور کند.

خودکفا بمانند مخصوصاً حوزه هایی که يك مقدار به فضای بازار و خدمات هم نزدیک تر هست، کم داریم چه برسد به موسسه آموزشی که کار سخت تر هم هست. این که مجموعه خودکفاست خیلی مهم و با ارزش است. در واقع نیازمند یک کار عمیق مطالعاتی است که چگونه این اتفاق افتاده به همت زحمات بچه ها.

● شما و اعضای هیأت موسس روزهای ابتدایی شروع کار، فکر می کردید که چنین بخش هایی به موسسه افزوده شود؟ آن هم به این گستردگی و به این عرض و طبلی؟

اولاً همه انچه گفته شد از جهت تبیین برای مخاطبان بود و گرنه باید گفت هذامن فضل ربی واقعه هیچ کدام از این موقوفیت ها ارتباطی با توان ما نداشت.

این را هم بگوییم من اینجا هم که الان بچه ها هستند هنوز راضی نیستم یعنی حس میکنم که ما باید خیلی کارهای بزرگتری بکنیم. خدا باید کمک کند بارهای بزرگتری را از دوش آقا و مجموعه هایی که برای این جبهه میجنگند، برداریم. هرچند تمام این کارهایی که تا الان در حوزه های مختلف شده را توفیقی میدانم، جای شکر دارد که خدا به این کارها و به نگاه های بچه ها توجه کرده و این بچه هایی که الان اینجا جمع شدند توانشان خیلی بیش از این است.



کارگاه کسب درآمدهای ارزی

پنجشنبه ۸ اسفند
🕒 ۱۹:۳۰
📍 مرکز شهر تهران



ثبت نام در سایت:

www.Toluehagh.ir